

اصول بنیادین کلیسا



درک تعמיד

سر دبیر مجموعه: جان اتان لیمن

نویسنده: بابی جیمیسون

عنوان اصلی کتاب: Understanding Baptism

نویسنده: Bobby Jamieson

حق تکثیر © ۲۰۱۶ برای رابرت بروس جیمیسون و 9Marks
محفوظ است.

979-8-89218-191-4

منتشر شده توسط گروه انتشاراتی B&H

نشویل، تسی.

حق تکثیر ترجمه © ۲۰۲۵ متعلق به باختر برای

انجیل. تمامی حقوق محفوظ است.

در این اثر، تمامی متون کتاب مقدس - مگر در

مواردی که تصریح شده باشد - برگرفته از ترجمه

فارسی هزاره نوهستند، و در برخی موارد نیز از ترجمه

دری استفاده شده است.

فهرست مطالب

آ	پیشگفتار مجموعه اصول بنیادین کلیسا
۱	مقدمه
۵	فصل اول: تعمید چیست؟
۱۷	فصل دوم: چه کسی باید تعمید بگیرد؟
۲۳	فصل سوم: و اما در باره تعمید نوزدان؟
۴۵	فصل چهارم: دلایل لزوم تعمید برای عضویت در کلیسا
۵۶	فصل پنجم: چه زمانی «غسل تعمید» غسل تعمید محسوب نمی شود؟
۶۶	فصل ششم: کلیساها چگونه باید غسل تعمید را اجرا کنند؟
۷۶	یادداشت‌ها

پیشگفتار مجموعه اصول بنیادین کلیسا

زندگی مسیحی، زندگی کلیسایی است. این باور بنیادین کتاب مقدسی، بر هر کتابی در مجموعه «اصول بنیادی کلیسا» تأثیر می‌گذارد.

این باور به نوبه خود، بر نحوه پرداختن هر نویسنده به موضوعش تأثیر می‌گذارد. برای مثال، شام خداوند عمل خصوصی و اسرارآمیز بین شما و عیسی نیست. بلکه وعده غذایی در کنار میز خانواده است که در آن با مسیح و قوم مسیح مشارکت می‌کنید. فرمان بزرگ مجوزی برای تنها رفتن به میان ملت‌ها به عنوان شاهد عیسی نیست. بلکه مأموریتی است که به تمام کلیسا داده شده تا توسط تمام کلیسا به انجام برسد. اقتدار کلیسا تنها بر عهده رهبران نیست، بلکه بر عهده تمام جماعت است. هر عضوی وظیفه‌ای برای انجام دادن دارد، از جمله شما.

هر کتاب برای عضو عادی کلیسا نوشته شده است، و این نکته‌ای بسیار حیاتی است. اگر زندگی مسیحی، یک زندگی کلیسایی است، پس شما، به عنوان یک ایماندار تعمیم‌یافته و عضو کلیسا، مسئولیتی دارید که این موضوعات بنیادین را درک کنید. همان‌طور که عیسی شما را به ترویج و محافظت از پیام انجیل خود مأمور می‌سازد، او شما را به ترویج و محافظت از قوم انجیل خود، یعنی کلیسا، نیز مأمور می‌سازد. این کتاب‌ها توضیح خواهند داد که چگونه.

شما همچون یک سهام‌دار در شرکت خدمت انجیل مسیح هستید. و یک سهام‌دار خوب چه می‌کند؟ او شرکت خود، بازار و رقبا را مطالعه می‌کند. او می‌خواهد بیشترین سود را از سرمایه‌گذاری‌اش به دست آورد. شما، مسیحی، تمام زندگی خود را در انجیل سرمایه‌گذاری کرده‌اید. بنابراین، هدف این مجموعه این است که به شما کمک کند تا سلامت و سودآوری پادشاهی جماعت محلی خود را برای اهداف باشکوه انجیل خدا به حداکثر برسانید.

برای شروع آماده‌اید؟

سردبیر مجموعه؛ جان‌اتان لیمن

کتاب‌های مجموعه اصول بنیادین کلیسا

- *Understanding the Great Commission*, Mark Dever.
- *Understanding Baptism*, Bobby Jamieson .
- *Understanding the Lord's Supper*, Bobby Jamieson.
- *Understanding the Congregation's Authority*, Jonathan Leeman.
- *Understanding Church Discipline*, Jonathan Leeman.
- *Understanding Church Leadership*, Mark Dever.

مقدمه

درود، به این کتاب مختصر در باب تعمید خوش آمدید. حتی می‌توانم آن را «جزوه» بنامم. نام‌گذاری آن را به سلیقه شما واگذار می‌کنم. آیا مایلید وارد شده و بنشینید؟ می‌توانم قبل از شروع، اطراف را به شما نشان دهم.

اما ابتدا، اجازه دهید کمی در مورد شما صحبت کنم، یا حداقل، در مورد کسی که انتظار دارم باشید. اگر این کار را حضوری انجام می‌دادیم، به جای اینکه در مورد شما بگویم، از خودتان می‌پرسیدم. اما این کار به صورت نوشتاری است، بنابراین بهترین کاری که می‌توانم انجام دهم، حدس زدن است. حدس من این است که اساساً سه نوع از افراد این کتاب را می‌خوانند که همه آن‌ها مسیحی هستند.

اگر مسیحی نیستید، خوشحالم که این کتاب به دست شما رسیده، اما کتاب‌های بسیاری درباره مسیحیت وجود دارد که شما را به خواندن آن‌ها در ابتدا تشویق می‌کنم! با چهار انجیل، و کتاب «عیسی کیست؟» نوشته گرگ گیلبرت (انتشارات کراس‌وی، ۲۰۱۵)، ترجمه شبکه کلیسای خانگی شروع کنید. و شما را تشویق می‌کنم که با یک دوست مسیحی ملاقات کرده و درباره کتاب مقدس و معنای پیروی از عیسی صحبت کنید.

در هر صورت، اولین گروه از افرادی که انتظار دارم این کتاب را بخوانند، کسانی هستند که به عیسی ایمان دارند، اما هنوز تعمید نگرفته‌اند. شاید شما واقعاً نمی‌دانید تعمید چیست. شاید می‌دانید تعمید چیست، اما مطمئن نیستید چرا باید تعمید بگیرید.

شاید برایتان سؤال است که آیا «تعمید» شما واقعاً تعمید بوده است. شما در نوزادی تعمید گرفته‌اید، یا آن‌قدر جوان بوده‌اید که نمی‌دانید آیا اعتراف ایمان شما واقعی بوده است یا خیر؟ این کتاب (چه) به همه این سؤالات پاسخ خواهد داد. هدف من برای شما این است که، اگر مسیحی هستید که هنوز تعمید نگرفته‌اید، این کتاب شما را متقاعد کند که این گام را بردارید. (از آنجا که نوشتن کتابی دربارهٔ تعمید بدون حداقل یک شوخی کلامی در مورد آب غیرممکن است، بهتر است آن را همین‌جا تمام کنیم.)

دومین گروهی که امیدوارم این کتاب را بخوانند، مسیحیانی هستند که صرفاً علاقه‌مند به یادگیری بیشتر دربارهٔ تعمید هستند. مطمئناً حداقل چند نفر از شما وجود دارید. شما قبلاً تعمید گرفته‌اید، اما می‌خواهید بیشتر در مورد این فرمانی که عیسی به کلیسایش داده است، تأمل کنید. شاید می‌خواهید بهتر بدانید که چگونه تعمید را برای ایمانداران تازه یا غیرایمانداران توضیح دهید. امیدوارم این کتاب پاسخ‌های کتاب مقدسی به سؤالاتی که می‌پرسید—و حتی سؤالاتی که نمی‌پرسید، اما شاید باید پرسید—ارائه دهد.

سومین گروهی که انتظار دارم این کتاب را بخوانند، رهبران کلیسا، به‌ویژه کشیشان، هستند. به فضل و رحمت خدا، کشیشان اغلب در موقعیتی قرار دارند که ایمانداران تازه را تعمید دهند، و همچنین به شدت بر نحوهٔ اجرای تعمید در کلیسای خود و اینکه کلیسایشان چه چیزی را به عنوان تعمید به رسمیت می‌شناسد، تأثیر می‌گذارند. کشیشان همچنین در تعیین اینکه آیا کلیسایشان تعمید را برای عضویت در کلیسا الزامی می‌داند، نقش دارند، که این موضوعی است که به‌طور فزاینده‌ای مورد بحث قرار گرفته است.

انتظار ندارم با هر نکته و جزئیات این کتاب موافق باشید. در این زمینه، مسائل بسیاری وجود دارد که مسیحیان در مورد آن‌ها اختلاف نظر دارند. با این حال، امیدوارم آن را منبعی مفید برای اعضای خود ببینید، حتی در جاهایی که ممکن است من و شما هم‌نظر نباشیم. و چه کسی می‌داند، شاید حتی شما را متقاعد کنم! من این تجربه را داشته‌ام که کتاب‌ها را به اعضای کلیسا هدیه دهم

— حتی اگر با تمام مطالب آن موافق نباشم و این را هم بیان کنم — فقط برای اینکه آن‌ها را به فکر کردن دربارهٔ موضوع مورد بحث وادار کنم.

در سراسر این کتاب، من هر سه گروه مخاطب را در نظر داشته‌ام. در فصل ۱، با این سؤال آغاز می‌کنیم: «تعمید چیست؟». فصل ۲ می‌پرسد: «چه کسی باید تعمید بگیرد؟». فصل ۳ به صورت کتاب مقدسی عمل تعمید نوزادان را ارزیابی می‌کند. در فصل ۴، نشان می‌دهم چرا کتاب مقدس تعمید را — یعنی تعمید ایماندار را — برای عضویت در کلیسا الزامی می‌داند. فصل ۵ چند سناریو را بررسی می‌کند که در آن‌ها آنچه مسیحیان «تعمید» می‌نامند، در واقع تعمید نیست. و فصل ۶ راهنمایی‌های عملی در مورد اینکه کلیساها چگونه باید ایمانداران را تعمید دهند، ارائه می‌دهد.

پیش از نگارش این کتاب کوچک، کتاب جامع‌تری به نام «علنی شدن: چرا تعمید برای عضویت در کلیسا الزامی است» (انتشارات B&H، ۲۰۱۵) را نوشتم. آن کتاب مستقیماً مخاطب رهبران کلیسا است و به طور دقیق بر پرسشی که در زیرعنوان آن مستتر است، تمرکز دارد. من به شدت از «علنی شدن» در فصل ۳، به صورت متوسط در فصل ۵، و به ندرت در چند جای دیگر وام گرفته‌ام. از ناشر به خاطر اجازهٔ این اقتباس سپاسگزارم.

از شما نیز به خاطر وقتی که برای خواندن این کتاب گذاشتید، سپاسگزارم. دعا می‌کنم که به شما کمک کند تا عیسی را پیروی کنید و به دیگران نیز برای پیروی از عیسی یاری رسانید.



فصل اول

تعمید چیست؟

اگر در استخری در حال قدم زدن بودید و دوستی از پشت سر به شما نزدیک می‌شد و سر شما را زیر آب می‌برد، چه می‌کردید؟ می‌توانید به سادگی دوست خود را ببخشید که عملی کاملاً مسیحی است. می‌توانید به همان شیوه تلافی کنید. حتی می‌توانید این درگیری آبی را تشدید کرده و صبر کنید تا دوست شما از آب بیرون بیاید و خشک شود، سپس او را دوباره به داخل استخر بیندازید. خب، کدام یک را انتخاب می‌کنید؟

سناریوی دوم: چه خواهید کرد اگر دوست شما از پشت سر آهسته بیاید، شما را زیر آب ببرد و بعد بگوید: «حالا تعمید گرفتی!» حتی اگر در مورد تعمید اطلاعات کمی داشته باشید، حدس من این است که به شدت مشکوک می‌شوید که دوست شما، علاوه بر کمی عجیب بودن، اشتباه می‌کند. شما تعمید نگرفته‌اید؛ فقط زیر آب رفته‌اید.

اما چه چیزی لازم است تا این زیر آب رفتن به تعمید تبدیل شود؟ به نظر بدیهی می‌رسد که باید عنصر غافلگیری از بین برود و شما آگاهانه و با رضایت در آن مشارکت کنید. اما آیا بعضی کلیساها نوزادان را تعمید نمی‌دهند؟ نوزادان که رضایت نمی‌دهند. در مورد کسی که زیر آب می‌برد چگونه؟ آیا دوست شما باید کشیش باشد؟ آیا باید به جای استخر، در کلیسا انجام شود؟

تعمید یعنی ...

این فصل به این پرسش پاسخ می‌دهد که «تعمید چیست؟».

ابتدا فهم کتاب مقدسی از تعمید را توضیح داده و از آن دفاع خواهیم کرد و سپس چند توضیح مختصر دربارهٔ اینکه تعمید چه چیزی نیست، ارائه می‌دهم. اگر به این دلیل که از ماهیت تعمید مطمئن نیستید، تعمید خود را به تعویق انداخته‌اید، امیدوارم این فصل آن سردرگمی را از بین ببرد و راه را برای شما هموار سازد تا از فرمان عیسی برای تعمید گرفتن اطاعت کنید.

بسیار خوب، شروع می‌کنیم: تعمید اقدام از جانب کلیسا برای تأیید و نمایش اتحاد فرد ایماندار با مسیح از طریق فرو بردن او در آب است، و همچنین اقدام ایماندار برای تعهد علنی به مسیح و قوم او، که از این طریق ایماندار را به کلیسا ملحق کرده و او را از دنیا جدا می‌سازد. بیایید این تعریف را عبارت به عبارت بررسی کنیم و ببینیم چگونه هر بخش از آن از کتاب مقدس نشئت می‌گیرد.

اقدامی از جانب کلیسا

تعمید، اقدامی از جانب کلیساست.^۱ اول به این نکته توجه کنید که تعمید کاری است که شخصی برای دیگری انجام می‌دهد. شما خودتان را تعمید نمی‌دهید؛ همیشه دو طرف درگیر هستند. و هر دو طرف چیزی به یکدیگر و به دنیا می‌گویند.

امروزه مردم تمایل دارند که تعمید را نمادی بدانند که افراد می‌توانند به سادگی آن را بر خود قرار دهند، مانند تصمیم‌گیری برای خرید یک پیراهن از فروشگاه و سپس پوشیدن آن در انتظار عمومی. اینکه چه کسی تعمید را انجام می‌دهد، اهمیت چندانی ندارد، همان‌طور که مهم نیست صندوق‌دار فروشگاه چه کسی باشد. هر مسیحی می‌تواند در هر مکانی تعمید دهد، زیرا تمرکز بر شخص تعمیددهنده نیست. بلکه بر شخص تعمیدگیرنده است. شما باید تصمیم بگیرید که تعمید بگیرید، زیرا می‌خواهید اعلام عمومی داشته باشید: «من با عیسی هستم.» فیلیپس و خواجه حبشی را در اعمال رسولان ۸ به یاد آورید. خواجه می‌خواهد تعمید بگیرد. او از فیلیپس می‌خواهد که او را تعمید دهد و فیلیپس نیز چنین می‌کند. همه چیز بسیار ساده به نظر می‌رسد، درست است؟

در واقع، عهد جدید تصویر کامل‌تری ارائه می‌دهد و آنچه در آیه‌ای مانند اعمال رسولان ۸ می‌یابیم، در حقیقت یک استثنا بر قاعده است، نه خود قاعده. شما باید نه از اعمال رسولان، بلکه از متی ۱۶ و ۱۸ شروع کنید، جایی که عیسی کلیدهای ملکوت را ابتدا به رسولان و سپس به کلیساهای محلی می‌دهد. کلیدهای ملکوت برای بستن در زمین، آنچه در آسمان بسته شده، و گشودن در زمین، آنچه در آسمان گشوده شده، است. این بدان معناست که هم رسولان و هم کلیساهای جمع‌شده، این اختیار را دارند که اعلامی یا حکمی را به نمایندگی از عیسی عمومی کنند. به کاری فکر کنید که یک قاضی با ضربه زدن به چکش خود انجام می‌دهد. او قانون را وضع نمی‌کند. او متهم را بی‌گناه یا گناهکار نمی‌سازد. بلکه، به قانون نگاه می‌کند، به شواهد می‌نگرد و سپس حکم عمومی و الزام‌آور را اعلام می‌کند.

این اختیار شبیه به قاضی، برای صدور اعلامیه‌های رسمی به نمایندگی از آسمان، چیزی است که عیسی به کلیساهای جمع‌شده می‌بخشد، نه به مسیحیان منفرد. به متی ۱۸: ۲۰ گوش کنید: «زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان ایشان حاضرم.» در اینجا عیسی درباره گروه‌های کوچک صحبت نمی‌کند و حضور او در میان آن‌ها یک تجربه اسرارآمیز یا وضعیت جوی نیست. بافتار را با دقت بخوانید و خواهید دید که عیسی می‌گوید که اختیار آسمانی او متعلق به کلیساهای جمع‌شده است (به ویژه آیات ۱۸-۱۹ را ببینید). کلیسا یک گردهمایی منظم از حداقل دو یا سه نفر است که با هم به نام مسیح شهادت می‌دهند. و مسیح با چنین گردهمایی‌هایی حاضر است تا به آن‌ها اجازه دهد که به نام او سخن بگویند.

ما به تمام این نکات نیاز داریم تا آنچه را که در فرمان بزرگ در متی ۲۸ رخ می‌دهد، درک کنیم. ابتدا، عیسی به ما یادآوری می‌کند که او کسی است که تمامی اختیارات را در آسمان و زمین دارد (آیه ۱۸). سپس، به شاگردانش اجازه می‌دهد تا به نام پدر، خودش و روح القدس تعمید دهند و شاگرد بسازند (آیه ۱۹). بعد به آن‌ها می‌گوید تا هر آنچه را که او فرمان داده است تعلیم دهند، که این امر در خدمت تعلیمی مستمر کلیسای محلی تحقق می‌یابد (آیه ۲۰ الف). در نهایت، او دوباره

تأیید می‌کند که حضور مقتدرانه او در آن کلیسا وجود دارد: «و به یاد داشته باشید، من همیشه تا پایان روزگار با شما هستم» (آیه ۲۰ ب). متی ۲۸ به شدت از الزامات و اختیارات متی ۱۶ و ۱۸ در پس‌زمینه بهره می‌گیرد. عیسی آنچه را که قبلاً گفته بود فراموش نکرد، و ما نیز نباید فراموش کنیم.

بنابراین، سؤال این است: چه کسی اختیار تعمید دادن را دارد؟ آیا هر مسیحی‌ای این اختیار را دارد؟ خب، اگر در خط مقدم مأموریت‌ها باشید، جایی که هیچ مسیحی دیگری وجود ندارد، پس چاره‌ای ندارید. بله، شما تعمید می‌دهید. از آنجایی که هنوز کلیسای محلی وجود ندارد، شما در آن مکان، خود کلیسا هستید. و اعمال رسولان ۸ در چنین شرایطی یک سابقه برای شما فراهم می‌کند. با این حال، به یاد داشته باشید که عیسی به صراحت حضور مقتدرانه خود را به کلیساها — به دو یا سه نفر (یا دو یا سه هزار نفر) که به نام او گرد آمده‌اند — مرتبط می‌کند. بنابراین، به صورت معمول، این کلیساهای محلی هستند که اختیار تعمید دادن را دارند. از آنجا که تعمید توسط یک فرد انجام می‌شود، کلیسا از طریق یک نماینده عمل می‌کند. اما تعمید همچنان یک عمل کلیسایی است.

به منظور تأیید و به تصویر کشیدن

اتحاد فرد ایمان دار با مسیح

کلیسا دقیقاً در تعمید چه چیزی می‌گوید؟ در تعمید، کلیسا اعتراف ایمان فرد ایماندار به مسیح را تأیید می‌کند. این تأیید به این معناست که شخصی که ادعا می‌کند در مرگ و رستاخیز مسیح با او متحد شده است، تا جایی که کلیسا می‌تواند تشخیص دهد، واقعاً چنین است. کلیسا با این عمل، مهربی ظاهری و عمومی بر یک واقعیت نامرئی و روحانی می‌زند.

ایمان ما را با مسیح متحد می‌سازد تا تمام برکات مرگ و رستاخیز او را تجربه کنیم. و تعمید، نمادی از این اتحاد است. به آیات زیر توجه کنید:

تعمید چیست؟

«آیا نمی‌دانید همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟ پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان گونه که مسیح به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم.» (رومیان ۶: ۳-۴).

«اما اکنون که ایمان آمده، دیگر زیر دست آن مری نیستیم. زیرا در مسیح عیسی، شما همه به واسطه ایمان، پسران خداید. چرا که همگی شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر کردید.» (غلاطیان ۳: ۲۵-۲۷).

تعمید نشانه اجرای انجیل است. این نشانه، بیانگر این است که فرد مورد نظر از گناه روی گردانده و از طریق ایمان با مسیح متحد شده است. اما تعمید فقط این واقعیت‌ها را تأیید نمی‌کند؛ بلکه آن‌ها را به تصویر می‌کشد. به مرگ، دفن شدن و برخاستن دوباره مسیح فکر کنید. تعمید، به صورت عمومی، اتحاد فرد را با این مرگ، دفن و رستاخیز به تصویر می‌کشد. یک نفر به صورت فیزیکی به زیر آب فرو برده شده و از آن بالا آورده می‌شود.

و از آنجایی که تعمید اتحاد ما را با مسیح به تصویر می‌کشد، مزایای آن اتحاد را نیز نشان می‌دهد. از طریق مسیح، گناهان ما بخشیده و پاک می‌شود؛ تعمید نمادی از هر دوی این‌هاست. پطرس به جمعیت در روز پنطیکاست گفت: «پطرس بدیشان گفت: «توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت.» (اعمال ۲: ۳۸). و حنania به پولس رسول که تازه ایمان آورده بود، گفت: «حال منتظر چه هستی؟ برخیز و تعمید بگیر و نام او را خوانده، از گناهانت پاک شوی!» (اعمال ۲۲: ۱۶). علاوه بر این، از طریق مسیح ما یک زندگی جدید و سرشار از قدرت روح را تجربه می‌کنیم، و رستاخیز نمادین تعمید نشان‌دهنده این زندگی است (رومیان ۶: ۴؛ کولسیان ۲: ۱۱-۱۲). در تعمید، کلیسا تأیید می‌کند که کسی که به مسیح اعتراف ایمان می‌کند، در واقع با او متحد شده است، و این اتحاد و تمام برکات آن را به شیوه‌ای دراماتیک به تصویر می‌کشد.

از طریق غوطه ور شدن در آب

کلیسا چگونه اتحاد یک ایماندار با مسیح را تأیید و به تصویر می‌کشد؟ از طریق فرو بردن او در آب. کلمه یونانی baptizō که کلمه «تعمید» ما بر اساس آن است، به معنای فرو بردن یا غوطه‌ور ساختن چیزی در آب است که معمولاً منجر به غرق شدن کامل می‌شود. عهد جدید همواره تعمید را به صورت غوطه‌وری به تصویر می‌کشد. یحیی تعمیددهنده «در عینون، نزدیک سالیم» تعمید می‌داد، «زیرا در آنجا آب فراوان بود» (یوحنا ۳: ۲۳)، و هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که تعمیدهای انجام‌شده توسط شاگردان عیسی به آب کمتری نیاز داشت.

علاوه بر این، هنگامی که خواجه حبشی در اربه خود به همراه فیلیپس به مسیح ایمان آورد، گفت: «همچنان که در راه پیش می‌راندند، به آبی رسیدند. خواجه‌سرا گفت: «بنگر، اینک آب مهیاست! آیا تعمید گرفتن مرا مانعی است؟» (اعمال رسولان ۸: ۳۶). و ما می‌خوانیم: «پس خواجه‌سرا دستور داد اربه را نگاه دارند، و فیلیپس و خواجه‌سرا، هر دو به آب درآمدند و فیلیپس او را تعمید داد. چون از آب بیرون آمدند، ناگاه روح خداوند فیلیپس را برگرفت و برد و خواجه‌سرا دیگر او را ندید، ولی با شادی راه خود را در پیش گرفت.» (اعمال ۸: ۳۸-۳۹). ظاهراً تعمید به آبی بیشتر از آنچه در اربه داشتند، نیاز داشت، بنابراین برای انجام آن به داخل آب رفتند.

در نهایت، توصیف پولس رسول از تعمید به عنوان نمادی از مرگ، دفن و رستاخیز یک ایماندار با مسیح، به نظر می‌رسد غوطه‌وری را پیش‌فرض می‌گیرد (رومیان ۶: ۴-۱). غوطه‌وری از نظر فیزیکی، حرکات دفن و رستاخیز را تقلید می‌کند و اتحاد ما را با مسیح در مرگ و رستاخیز او به نمایش می‌گذارد. بنابراین، کلیسا با فرو بردن یک ایماندار در آب، اتحاد او با مسیح را تأیید و به تصویر می‌کشد.

و اقدامی از جانب یک ایماندار

اما البته تعمید فقط اقدامی از سوی کلیسا نیست، بلکه اقدامی از سوی ایماندار نیز هست. کلیسا

تعمید چیست؟

تعمید می‌دهد؛ شخص مسیحی تعمید می‌گیرد. به نحوهٔ پاسخ کسانی که موعظهٔ پطرس را در روز پنتیکاست شنیدند، توجه کنید:

«چون این را شنیدند، دلریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند: «ای برادران، چه کنیم؟» پطرس بدیشان گفت: «توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا این وعده برای شما و فرزندانان و همهٔ کسانی است که دورند، یعنی هر که خداوند خدای ما او را فرا خواند.» پس پیام او را پذیرفتند و تعمید گرفتند. در همان روز حدود سه هزار تن بدیشان پیوستند.» (اعمال ۲: ۳۷-۳۹، ۴۱).

کسانی که از گناهان خود توبه کرده و به عیسی ایمان آوردند، تعمید گرفتند. تعمید نخستین عمل علنی ایمانی است که مسیح را به عنوان نجات‌دهنده و خداوند می‌پذیرد. اگر مسیحی هستید، عیسی به شما فرمان می‌دهد که تعمید بگیرید. این کاری است که باید خودتان انجام دهید؛ هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند آن را به جای شما انجام دهد. و البته تعمید عملی نیست که غیر مسیحیان باید انجام دهند. تعمید اتحاد شخص ایماندار با مسیح را تأیید و به تصویر می‌کشد، بنابراین تنها کسانی که از طریق ایمان با مسیح متحد شده‌اند، باید آن را انجام دهند.

اعلام ایمان به مسیح در حضور جمع

تعمید برای فرد مسیحی چه معنایی دارد؟ در واقع، تعهد علنی فرد به مسیح است. این آیین، راهی برای ثبت رسمی نام شما به عنوان مسیحی به شمار می‌آید. از طریق آن، ایمان و فرمانبرداری خود را نسبت به خداوند، عیسی مسیح، به صورت عمومی اظهار می‌کنید.

در پاسخ به انجیل، به ما دستور داده شده که هم از درون و هم از بیرون، به سوی عیسی مسیح خداوند بازگردیم و در حقیقت چنین عمل بیرونی، بازتابی از تحول درونی فرد است. غسل تعمید در ملاءعام و در برابر شاهدان انجام می‌شود. لحظهٔ به افرادی فکر کنید که در روز پنتیکاست توبه کردند و غسل تعمید یافتند. تمام کسانی که از میان جمعیت پیش آمدند تا تعمید بگیرند، با این کار

خود را به عنوان پیروان عیسی معرفی کردند.

این دقیقاً همان چیزی است که عیسی می‌خواهد: پیروانی که حضورشان برای همگان آشکار باشد. «هر که نزد مردم مرا اقرار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را اقرار خواهم کرد؛ اما هر که مرا نزد مردم انکار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را انکار خواهم کرد.» (متی ۱۰: ۳۲-۳۳). شاگرد پنهان برای عیسی وجود ندارد. تنها راه پیروی از عیسی، انجام آن به صورت علنی و آشکار است، به گونه‌ای که همه بتوانند شما را ببینند. و غسل تعمید، راهی است که از طریق آن، در برابر کلیسا و جهان، تعلق خود به عیسی را اعلام می‌کنیم. عیسی می‌خواهد که نورافکن بر روی شاگردانش باشد تا جهان، بازتاب او را در آن‌ها مشاهده کند. غسل تعمید، قدم گذاشتن ما در آن نور است.

اگر در آشکار ساختن ایمان خود تردید دارید، به غسل تعمید نه به عنوان مانع، بلکه به عنوان یاری‌رسان بنگرید. عیسی این امر را به جسارت یا خلاقیت شما واگذار نکرده تا بفهمید که چگونه مسیحی بودن خود را ابراز کنید؛ او خود راه انجام آن را به شما نشان داده و آن را ساده گردانیده است. تنها کافی است ایمان خود به مسیح را اعلام کرده، و سپس تسلیم شوید و نفس خود را در آب فرو برید.

اما غسل تعمید تنها اعلانِ تعهدی از پیش موجود نیست؛ بلکه خودِ عملِ تعهد بستن است. پطرس در نوشته‌های خود از نجات نوح و خانواده‌اش از طریق آب‌های داوری سخن می‌گوید، و سپس مقایسه‌ای انجام می‌دهد: «و آن آب نمونه‌ی تعمیدی است که اکنون نیز شما را نجات می‌بخشد، تعمیدی که نه زدودن آلودگی تن، بلکه تعهد و جدائی پاک است به خدا. این تعمید به واسطه رستاخیز عیسی مسیح شما را نجات می‌بخشد.» (اول پطرس ۳: ۲۱). زمانی که پطرس می‌گوید غسل تعمید «شما را نجات می‌دهد»، توضیح می‌دهد که نجات نه از شستشوی جسمانی با آب، بلکه از ایمانی است که غسل تعمید آن را بیان می‌کند. و این رستاخیز مسیح است که به ایمان قدرت می‌بخشد. این بدان معنا نیست که در خود ایمان ما قدرت یا فضیلتی وجود دارد، بلکه با

ایمان، ما رستاخیز مسیح را در اختیار می‌گیریم.

عبارت «تعهد یک وجدان پاک» می‌تواند به معنای درخواست، یا پیمان، یا هر دو باشد. به باور من، هر دوی این معانی در غسل تعمید حضور دارند، حتی اگر این آیه بر یکی از آن‌ها تأکید کند. غسل تعمید در واقع درخواست و دعایی است که به استغاثه ایمان، صدا می‌بخشد: «ای خداوند عیسی مسیح، مرا نجات ده!» با هم‌ذات‌پنداری با مرگ و رستاخیز مسیح در غسل تعمید، فرد مسیحی به صورت علنی مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود می‌پذیرد و از خداوند می‌خواهد که وعده نجات خود را محقق سازد.

غسل تعمید از این جهت پیمان است که به صورت علنی، تعهد به تسلیم شدن در برابر مسیح به عنوان خداوند را نشان می‌دهد. غسل تعمید گرفتن به نام مسیح (متی ۲۸: ۱۹) به معنای تسلیم شدن در برابر اقتدار اوست. غسل تعمید، سوگند وفاداری به پادشاه، عیسی، است. این آیین، راهی است که با آن به صورت علنی به او وفاداری می‌ورزید. بدین ترتیب، غسل تعمید پیمانی است برای اطاعت از تمام دستورات مسیح. تعمید گرفتن به معنای امضا کردن زیر عبارت «هر آنچه به شما فرمان داده ام، به جا آورند» (متی ۲۸: ۲۰) است. شما نمی‌توانید عیسی را به عنوان نجات‌دهنده بپذیرید، بدون آنکه او را به عنوان خداوند گرامی بدارید. در غسل تعمید، ما یوغ آسانی را بر دوش می‌کشیم که صلیب نیز هست: گام برداشتن در تمامی راه‌های عیسی.

غسل تعمید جایی است که ایمان علنی می‌شود. جایی است که ما لباس تیم عیسی را بر تن می‌کنیم. غسل تعمید، راهی است که از طریق آن فرد مؤمن، خود را به مسیح متعهد می‌سازد؛ یعنی او را به عنوان نجات‌دهنده خود می‌پذیرد و در برابر او به عنوان خداوند در برابر دیدگان همگان تسلیم می‌شود.

و قوم او

در غسل تعمید، مؤمن نه تنها خود را به مسیح، بلکه به قوم او نیز متعهد می‌سازد. بار دیگر به یاد آورید که در روز پنطیکاست چه اتفاقی افتاد: «پس پیام او را پذیرفتند و تعمید گرفتند. در همان

روز حدود سه هزار تن بدیشان پیوستند.» (اعمال رسولان ۲: ۳۱). این سه هزار نفر به چه کسانی افزوده شدند؟ به کلیسای اورشلیم، که پیش از آن تنها ۱۲۰ نفر عضو داشت (اعمال رسولان ۱: ۱۵). کسانی که در روز پنطیکاست تعمید یافتند، از جهان قدم بیرون گذاشتند و وارد کلیسا شدند. و این همان چیزی است که امروز نیز باید برای هر کسی که تعمید می‌یابد، رخ دهد.

ایمان آوردن به عیسی به معنای پیوستن به جمع تمامی کسانی است که به او ایمان دارند. پذیرش عیسی، پذیرش قوم اوست. انجیل نه تنها ما را با خدا آشتی می‌دهد (افسیان ۲: ۱-۱۰)، بلکه ما را با یکدیگر نیز آشتی می‌دهد (افسیان ۲: ۱۱-۲۲). خطاب کردن خدا به عنوان «پدر»، به معنای پذیرفتن تمامی کسانی است که چنین می‌کنند، به عنوان خواهران و برادران. متحد شدن با مسیح به معنای عضوی از بدن او شدن است (اول قرتیان ۱۲: ۱۲-۲۶؛ افسسیان ۱: ۲۳؛ کولسیان ۱: ۱۸؛ اول پطرس ۲: ۱۰).

بنابراین، در غسل تعمید، مؤمن مسیحی خود را هم به مسیح و هم به قوم او متعهد می‌سازد. با پوشیدن پیراهن یک تیم، شما متعهد به بازی در آن تیم می‌شوید. در غسل تعمید، شما از جهان قدم بیرون می‌گذارید و وارد کلیسا می‌شوید. هیچ منطقه‌ی میانی‌ای وجود ندارد که در آن با عیسی باشید، اما هنوز به قوم او نیوسته باشید. پیوستن به عیسی، به معنای پیوستن به قوم اوست. پس، غسل تعمید، تعهدی است برای پیروی از مسیح در جمع کلیسای او. در غسل تعمید، فرد مسیحی به دوست داشتن، خدمت کردن، و تسلیم شدن در برابر قوم مسیح متعهد می‌گردد.

بدین ترتیب، مؤمن مسیحی را به کلیسا ملحق ساخته و او را با جهان متمایز می‌سازد.

در حین این پیمان، کلیسا نیز پیمان خود را می‌بندد. آیین تعمید، پیمان ایمان‌دار را بازگو می‌کند، «من در اینجا، با مسیح و با شما، یاران او، پیمان وفاداری می‌بندم.» و در همین حال، پیمان کلیسا را نیز اعلام می‌دارد، «ما در اینجا، ایمان شما را تأیید می‌کنیم و با شما، که عضوی از بدن مسیح هستید، پیمان هم‌بستگی می‌بندیم.» در تعمید، ایمان‌دار با خدا و کلیسا سخن می‌گوید، و کلیسا از

سوی خدا با آن فرد سخن می‌گوید.

بنابراین، هنگامی که کلیسا اتحاد یک مؤمن با مسیح را تأیید و نمایش می‌دهد، و مؤمن نیز خود را به مسیح و قوم او متعهد می‌سازد، آن مؤمن به کلیسا ملحق شده و از جهان جدا می‌گردد. نام مؤمن به فهرست اعضای تیم اضافه شده و پیراهن آن به او داده می‌شود تا بر تن کند. غسل تعمید به صورت علنی، فرد را به عنوان یک مسیحی معرفی می‌کند. در غسل تعمید، کلیسا به جهان می‌گوید: «بنگرید! این شخص به عیسی تعلق دارد!» و چون غسل تعمید فرد را به عنوان یک مسیحی می‌شناساند، او را وارد جمع کلیسا، یعنی قوم عهد جدید مسیح بر روی زمین، می‌سازد. در باب ۴، به طور مفصل در مورد کارکرد غسل تعمید در پیوند دادن به کلیسا و جدا کردن از جهان خواهیم پرداخت. اما در حال حاضر، کافی است این نکته را در نظر داشته باشیم که در غسل تعمید، مؤمن مسیحی خود را نه تنها به مسیح، بلکه به قوم او نیز متعهد می‌سازد.

تعمید این نیست که...

بگذارید دو نکته کوتاه در مورد اینکه غسل تعمید چه چیزی نیست، بررسی کنیم. اول، غسل تعمید به خودی خود شما را نجات نمی‌دهد. به یاد بیاورید که در اول پطرس ۳: ۲۱، وقتی پطرس می‌گوید که غسل تعمید نجات می‌دهد، منظور این نیست که شستشوی جسمانی دارای قدرت ذاتی است، بلکه غسل تعمید، ایمانی را بیان می‌کند که به رستخیزِ قدرتمند مسیح متکی است. ما از طریق اعتماد به مرگ و رستخیزِ عیسی نجات می‌یابیم، و غسل تعمید جایی است که این اعتماد به صورت علنی آشکار می‌شود.

کتاب مقدس روشن می‌سازد که از طریق ایمان، گناهان ما آمرزیده می‌شوند، از نظر خدا عادل شمرده می‌شویم، و با او آشتی می‌کنیم (رومیان ۳: ۲۱-۳۱؛ ۴: ۸-۱۱؛ ۵: ۱-۱۱). غسل تعمید تمامی این حقایق را به تصویر می‌کشد، اما آن‌ها را ایجاد نمی‌کند. به تمامی مؤمنان دستور داده شده است که غسل تعمید یابند و اطاعت از دستورات مسیح، راهی است که نشان می‌دهیم ایمانمان واقعی است (یوحنا ۱۴: ۲۱-۲۴؛ یعقوب ۲: ۱۴-۲۶؛ اول یوحنا ۲: ۲-۳). بنابراین، هیچ مسیحی نباید به

این بهانه که غسل تعمید برای نجات «لازم نیست»، از آن اجتناب کند. اگر ادعای نجات دارید، غسل تعمید یک گواه ضروری است. با این حال، غسل تعمید به خودی خود نجات را تضمین نمی‌کند. دزد بر روی صلیب بدون آن به آسمان رفت (لوقا ۲۳: ۳۹-۴۳)، و شمعون جادوگر با وجود آن، به سوی جهنم در حرکت بود (اعمال رسولان ۸: ۱۳-۲۴).

دوماً، مهم است که بپذیریم غسل تعمید تنها یک سنت بشری نیست. این آیینی نیست که کلیسا آن را ابداع کرده باشد. این کاری نیست که ما مسیحیان تصادفاً انجام می‌دهیم و می‌توانستیم به راحتی آن را انجام ندهیم. بلکه، آن فرمانی از مسیح است که برای تمامی مؤمنان، در تمامی مکان‌ها و در تمامی زمان‌ها، الزام‌آور می‌باشد.

گام بعدی

به دوست غوطه‌ورکننده‌تان بازگردیم. اگر او موفق به غوطه‌ور ساختن شما در آن آب ۷۸ درجه کلردار شود، آیا شما را تعمید داده است؟ خیر. اما اگر در ابتدای این فصل تنها یک حدس در این باره داشتید، امیدوارم اکنون یک تصویر روشن کتاب مقدسی از غسل تعمید در ذهن داشته باشید. در غسل تعمید، عیسی راهی به شاگردانش داده تا به صورت آشکار او را از آن خود بدانند و خود را از آن او اعلام کنند. و به کلیسا راهی قدرتمند و علنی بخشیده است تا هم اتحاد مؤمن با مسیح را تأیید و هم به تصویر بکشد. و در این عمل دوطرفه، مؤمن به کلیسا و کلیسا به مؤمن متعهد می‌شود. غسل تعمید نشانه‌ای است که هم اتحاد مؤمن با مسیح را به تصویر می‌کشد و هم اتحاد افقی جدید را محقق می‌سازد که مؤمن و کلیسا را به هم می‌پیوندد.

غسل تعمید چیست؟ با من بگویید: تعمید اقدام از جانب کلیسا برای تأیید و نمایش اتحاد فرد ایماندار با مسیح از طریق فرو بردن او در آب است، و همچنین اقدام ایماندار برای تعهد علنی به مسیح و قوم او، که از این طریق ایماندار را به کلیسا ملحق کرده و او را از دنیا جدا می‌سازد. این ما را به سؤال و فصل بعدی می‌رساند: چه کسی باید تعمید یابد؟



فصل دوم

چه کسی باید تعمید بگیرد؟

آیا خود را یک مسیحی می‌دانید؟ اگر پاسخ منفی است، خوشحالم که این کتاب را می‌خوانید، اما غسل تعمید اولویتِ نخستِ شما نیست. آنچه ابتدا باید انجام دهید، توبه از گناهان و اعتماد به مسیح برای نجات‌تان است.

اما فرض من بر این است که اگر این کتاب را می‌خوانید، به احتمال زیاد به مسیح ایمان دارید. اگر چنین است، آیا تعمید یافته‌اید؟ چرا و یا چرا نه؟ این فصل به این پرسش می‌پردازد: «چه کسی باید تعمید بگیرد؟» و پاسخ این است: «هر مسیحی.» هیچ استثنا، هیچ مورد خاص، و هیچ اما و اگر وجود ندارد. در این فصل، من دستور کتاب مقدسی برای غسل تعمید را بیان خواهم کرد، برخی از برکات آن را بررسی خواهم نمود و به اعتراضاتِ مربوط به غسل تعمید پاسخ خواهم داد. یکی از این مسئله‌ای که فردی قبلاً در دوران نوزادی «غسل تعمید» یافته است – نیازمند بررسی ویژه‌ای است، بنابراین فصلی جداگانه به آن اختصاص داده شده است.

فرمان تعمید

همان‌طور که در فصل قبل دیدیم، عیسی به شاگردانش فرمان می‌دهد که شاگرد بسازند: «آنگاه عیسی نزدیک آمد و به ایشان فرمود: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است. پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید که هرآنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!» (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). چگونه شاگردان عیسی، شاگرد می‌سازند؟ نخست، با

درک تعمید

موعظه انجیل پادشاهی برای آنها، درست همان گونه که عیسی انجام داد (متی ۴: ۱۷، ۲۳) و همان گونه که قبلاً شاگردانش را فرستاده بود تا انجام دهند (متی ۱۰: ۵-۷). بنابراین، می توان گفت که فرمان «شاگرد بسازید» موعظه انجیل را در خود دارد. شما با پذیرش پیام مربوط به عیسی، شاگرد او می شوید.

اما عیسی دو گام دیگر را در این فرآیند، دو روش برای اجرای فرمان شاگردسازی، مشخص می کند: شاگردان عیسی باید این شاگردان جدید را تعمید دهند و به آنها تعلیم دهند که از تمامی دستورات عیسی اطاعت کنند.

گام ۱: موعظه انجیل.

گام ۲: هنگامی که مردم با ایمان پاسخ می دهند، آنها را تعمید دهید.

گام ۳: به آنها تعلیم دهید که هر آنچه را عیسی فرمان داده است، انجام دهند.

تمامی کسانی که شاگرد می شوند، غسل تعمید می یابند. مقوله ای به نام شاگرد تعمید نیافته وجود ندارد.

غسل تعمید کاری است که یک شاگرد باید انجام دهد و خود را تسلیم مرگ و رستاخیز نمادین آن کند. بنابراین، از ترتیب کلام عیسی به روشنی مشخص است که غسل تعمید در واقع اولین مورد در فهرست «هر آنچه را به شما فرمان دادم» قرار دارد. پس از توبه و ایمان، غسل تعمید اولین فرمانی است که از پیروان عیسی خواسته می شود از آن اطاعت کنند. به عنوان پیرو جدید عیسی، غسل تعمید اولین کاری است که انجام می دهید.

پس جای تعجب نیست که پطرس در همان لحظه به مخاطبانش در روز پنتیکاست می گوید توبه کنند و غسل تعمید یابند: «توبه کنید... و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود غسل تعمید یابد، و هدیه روح القدس را دریافت خواهید کرد» (اعمال رسولان ۲: ۳۸). و دیدیم که بسیاری از آنان چنین کردند: «پس کسانی که پیام او را پذیرفتند، غسل تعمید یافتند، و در همان روز حدود ۳,۰۰۰ نفر به ایشان افزوده شد» (اعمال رسولان ۲: ۴۱). بار دیگر، پذیرش

چه کسی باید تعمید بگیرد؟

انجیل و غسل تعمید دست در دست هم پیش می‌روند. اگر به عیسی ایمان می‌آورید، اولین کاری که باید انجام دهید، این است که آن را به صورت علنی در غسل تعمید اعلام کنید.

این نکته همچنین توضیح می‌دهد که چرا در تمام رسالات عهد جدید، نویسندگان چنین فرض می‌کنند که تمامی خوانندگان مسیحی‌شان تعمید یافته‌اند. پولس استدلال می‌کند که ما که نسبت به گناه مرده‌ایم، دیگر نمی‌توانیم در آن زندگی کنیم، و سپس می‌پرسد، «آیا نمی‌دانید همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟» (رومان ۳: ۶). و پولس به مردم غلاطیه اطمینان می‌دهد که همگی از راه ایمان به مسیح، فرزندان خدا هستند و سپس توضیح می‌دهد: «زیرا هر یک از شما که در مسیح تعمید یافته‌اید، مسیح را به تن کرده‌اید» (غلاطیان ۳: ۲۷؛ قیاس کنید با اول قرنتیان ۱: ۱۳؛ کولسیان ۲: ۱۲). این استدلال‌ها فقط در صورتی منطقی به نظر می‌رسند که تمامی مخاطبان، تعمید گرفته باشند.

اگر مسیحی هستید و هنوز غسل تعمید نیافته‌اید، باید این کار را انجام دهید. این عمل صرفاً اختیاری، توصیه شده، عاقلانه یا بهترین کار ممکن نیست، بلکه یک الزام است. و گرچه شاگرد عیسی بودن فراتر از اطاعت از دستورات اوست، اما هرگز کمتر از آن نیست. اطاعت ما از عیسی، سنگ محک عشق ما به اوست. کسانی که به عیسی اعتماد دارند، آنچه را او می‌گوید، انجام می‌دهند، و او به کسانی که به او اعتماد دارند، می‌گوید که غسل تعمید یابند.

دو ثمره تعمید

اگر ادعا می‌کنید که به عیسی ایمان دارید اما هنوز تعمید نگرفته‌اید، این باید برایتان کافی باشد. مسیح برای تعمید فرمان داده، پس آن را انجام دهید. اما اگر هنوز مردد هستید، می‌خواهم با برجسته ساختن دو برکت عمده تعمید، شما را به اطاعت از فرمان عیسی تشویق کنم.

نخست اینکه، اقرار به ایمان، ایمان را قدرت می‌بخشد. تعمید اعلام آشکار است که نشان می‌دهد شما از آن عیسی هستید. و اگر در آشکار ساختن خود به عنوان پیر و عیسی دو دل هستید،

پس تعمید همان کاری است که بیش از هر چیز باید انجام دهید! ایمان به عیسی برای این است که شما را از نو تعریف کند: حقیقت گذشته، حال و آینده شما را، هویت خانواده ایمانی شما را، و اینکه بالاترین وفاداری شما به چه کسی است. تعمید راهی برای نمایش و اعلان تمامی این واقعیت‌هاست.

اگر بخواهید ایمان خود را پنهان نگه دارید، مانند گیاهی پژمرده، خشک و بی‌جان خواهد شد. ایمان، مانند بدن ما، با تمرین قوی‌تر می‌شود، و تعمید تمرین عملی برای ایمان است. تعمید عملی برآمده از ایمان است و عملی است که مسیر تمام زندگی ایمانی ما را ترسیم می‌کند. مسیحی بودن به معنای آشکار بودن در مورد ایمان است. زندگی مسیحی روی صحنه، در جمع کلیسا و در برابر چشمان جهانیان زندگی می‌شود. و تعمید، همان قدم نهادن ما به زیر نورافکن است.

دومین ثمره، که با مورد قبلی ارتباط دارد، این است که غسل تعمید در واقع فرصت آماده برای بشارت فراهم می‌آورد. بسیاری از اعضای خانواده و دوستان و یا سایر افراد که در شرایط عادی به کلیسا نمی‌آیند، اما بابت این واقعه برای شما با کمال میل در مراسم غسل تعمید شرکت می‌کنند. اگر مهمانان شما معنای غسل تعمید را نمی‌دانند، از انجیل برای توضیح آن استفاده کنید؛ اگر انجیل را درک نمی‌کنند، از غسل تعمید برای تصویرسازی آن بهره ببرید. همان‌طور که شما در آب فرو می‌روید و دفن می‌شوید و دوباره برمی‌خیزید، عیسی نیز در مرگ فرو رفت و دفن شد، اما با پیروزی از آن بیرون آمد. و تمامی کسانی که با مسیح متحد می‌شوند، در پیروزی او سهیم هستند، زیرا از طریق مرگ و رستاخیز او، گناهان ما آمرزیده شده و با خدا آشتی می‌کنیم.

چرا بعضی‌ها تعمید نمی‌گیرند؟

اگر می‌گویید مسیحی هستید ولی هنوز تعمید نگرفته‌اید، دلیلش چیست؟ بیایید چند دلیل ممکن برای این کار را بررسی کنیم.

چرا باید این همه سر و صدای علنی و عمومی در مورد مسیحی بودن به پا کنیم؟ آیا ایمان چیزی شخصی و خصوصی نیست؟ آیا این کافی نیست که به عیسی اعتماد کنیم؟ خدا که قلب مرا

چه کسی باید تعمید بگیرد؟

می‌شناسد. ما پیش‌تر دیده‌ایم که عیسی بیروان پنهان و شاگردانِ سری نمی‌خواهد: «هر که نزد مردم مرا اقرار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را اقرار خواهم کرد؛ اما هر که مرا نزد مردم انکار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را انکار خواهم کرد.» (متی ۱۰: ۳۲-۳۳). و نیز «زیرا هر که از من و سخنانم عار داشته باشد، پسر انسان نیز آنگاه که در جلال خود و جلال پدر و فرشتگان مقدّس آید، از او عار خواهد داشت.» (لوقا ۹: ۲۶). مسیحیان کسانی هستند که به ایمان خود به مسیح اقرار می‌کنند. اقرار، ذاتاً یک عملِ عمومی است که در حضورِ دیگران بیان می‌شود. اگر از علنی ساختنِ ایمان خود به عنوان یک مسیحی نگران هستید، به غسل تعمید به عنوان یاری‌رسان بنگرید، نه مانع. غسل تعمید به شما کمک می‌کند تا با ایمان خود همان کاری را بکنید که باید انجام داده شود، یعنی آن را آشکارا به اشتراک بگذارید.

سخنی با رهبران کلیسا: به باور من، این یک رویهٔ نیکو است که از کسانی که غسل تعمید می‌یابند، خواسته شود نه تنها به صورت کلامی به ایمان خود به مسیح اقرار کنند و به اطاعت از او متعهد شوند، بلکه نحوهٔ ایمان آوردنِ شخصی خود به عیسی را به عنوان نجات‌دهنده بیان کنند. این کار، خدا را به خاطر عملش در زندگی آنان ستایش می‌کند و قدرت بشارتی غسل تعمید را افزایش می‌دهد. اما اگر فردی دچار ترسِ فلج‌کننده از سخنرانی در جمع است، یا به هر دلیل دیگری قادر به روایتِ شهادتِ خود نیست، شما را تشویق می‌کنم که به این اکتفا کنید که او با اقرارِ ایمان و تعهد به اطاعت از عیسی موافقت کند. چیزی شبیه به این:

«آیا ایمان به عیسی مسیح را به عنوان نجات‌دهندهٔ خود اقرار می‌کنید و در برابر او به عنوان خداوند تسلیم می‌شوید؟»

«اقرار می‌کنم.»

«آیا با کمکِ فیض او، وعده می‌دهید که تا پایانِ عمرِ خود، در جمع کلیسایش از عیسی اطاعت

کنید؟» «وعده می‌دهم.»

دهه‌هاست که ایمان دارم. در آن زمان غسل تعمید نیافتم، پس چرا باید پس از این همه مدت اکنون غسل تعمید یابم؟ از آنجایی که مدت زیادی از ایمان آوردنم گذشته است، آیا این کار بی‌معنا نخواهد بود؟ البته که بهتر بود به محض ایمان آوردن به مسیح غسل تعمید می‌یافتید. اما در مورد اطاعت از فرمان‌های مسیح، دیر رسیدن قطعاً بهتر از هرگز نرسیدن است (متی ۲۱: ۲۸-۳۲). و مدت زمانی که سپری شده، از الزام‌آور بودن این فرمان نمی‌کاهد. بله، غسل تعمید یافتن در حال حاضر به معنای پذیرش این حقیقت است که در تمام این سال‌ها اشتباه کرده‌اید که غسل تعمید نگرفته‌اید. اما این دقیقاً همان چیزی است که پیروی از عیسی به آن معناست. وقتی گناهی را در زندگی خود کشف می‌کنیم، توبه کرده و اطاعت می‌کنیم. «من نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت کنم» (لوقا ۵: ۳۲، تأکید نویسنده).

نمی‌دانم برای غسل تعمید کجا بروم. خب، این یک مشکل است! توصیه من این است: کلیسای را بیابید که انجیل را موعظه می‌کند و کتاب مقدس را تعلیم می‌دهد. کلیسای را پیدا کنید که در آن، مردم در مورد پیروی از عیسی و کمک به دیگران برای پیروی از او جدی باشند. خود را به رهبران آن کلیسا معرفی کنید. به آنان اطلاع دهید که به عیسی ایمان دارید و می‌خواهید غسل تعمید یابید. و متعهد شوید که به آن کلیسا بیونددید، در آن خدمت کنید و به کلیسا اجازه دهید تا به شما کمک کند بیشتر شبیه مسیح شوید. اگر در یافتن چنین کلیساهایی به کمک نیاز دارید، جستجوگر کلیسای 9Marks نقطه شروع خوبی خواهد بود.^۲

من قبلاً در بچگی تعمید گرفته‌ام. تعمید فقط یک بار است. وقتی تعمید گرفتید، دیگر نیازی به آن ندارید و نباید دوباره این کار را انجام دهید. ولی آیا نوزادان باید تعمید بگیرند؟ آیا تعمید نوزاد واقعاً تعمید حساب می‌شود؟ این موضوع فصل بعدی ماست.

چرا بعضی‌ها تعمید نمی‌گیرند؟

اگر به دلیل اضطراب یا ترس، غسل تعمید خود را به تعویق انداخته‌اید، دل قوی دارید. عیسی وعده می‌دهد که هرگاه به خاطر او به محکمه برده شویم، روح خود او از طریق ما سخن خواهد

چه کسی باید تعمید بگیرد؟

گفت و کلماتِ مورد نیاز را به ما خواهد بخشید (متی ۱۰: ۱۹-۲۰). پس چگونه ممکن است روحی که به ما ایمان عطا کرده است، ما را برای اقرار علنیِ آن ایمان توانمند نسازد؟ (اول قرنتیان ۱۲: ۳).

خلاصهٔ کلام این است که به هر مسیحی فرمان داده شده تا غسل تعمید یابد. پس منتظر چه

هستید؟

و اما دربارهٔ تعمید نوزادان؟

دربارهٔ تعمید نوزادان چه می‌گوییم؟ مطمئنم برخی از کسانی که این متن را می‌خوانند، در کودکی تعمید گرفته‌اند و اکنون به اینکه آیا آن عمل واقعاً تعمید بوده، شک دارند. یا شاید می‌دانید که کلیساهایی تعمید نوزادان را انجام می‌دهند، اما هرگز به این نیندیشیده‌اید که چرا، یا این رسم را در پرتو کتاب مقدس به سنجش نگذاشته‌اید.

در این فصل، قانع‌کننده‌ترین دلایل الهیاتی موافق با تعمید نوزادان را بیان می‌کنیم، و آن را از منظر کلام خدا ارزیابی می‌نماییم و سپس به ایرادهایی که طرفدارانِ تعمید نوزادان به موضعِ تعمید ایماندار می‌گیرند، پاسخ خواهیم داد.

استدلال برای تعمید نوزادان

در اکثر تاریخ کلیسا، حداقل بخشی از کلیساها نوزادان را «غسل تعمید» داده‌اند، موضعی که به عنوان پدوبپتیسم (غسل تعمید نوزاد) شناخته می‌شود. کلیساها این عمل را به دلایل متفاوتی انجام داده‌اند. کاتولیک‌های رومی و برخی دیگر معتقدند که غسل تعمید در واقع فیض نجات‌بخش را به فرد دریافت‌کننده اعطا می‌کند و او را به بدن روحانی مسیح ملحق می‌سازد. این عمل خود به خود اثر می‌کند، بنابراین نوزاد دریافت‌کننده نیازی به اعمال ایمان یا ابراز رضایت ندارد تا غسل تعمید کار خود را انجام دهد. اما این درک از غسل تعمید با خود انجیل در تضاد است. پیوستن به مسیح از طریق ایمان است که ما را نجات می‌دهد. آیین‌های غسل تعمید و شام خداوند، آن اتحاد را به تصویر می‌کشند و تأیید می‌کنند؛ اما آن را ایجاد نمی‌کنند.

شماری از لوتران‌ها، با پیروی از لوتر، بر این باورند که نوزادانی که تعمید می‌گیرند، در حقیقت ایمان دارند. اما در این صورت، چرا تعداد بی‌شماری از کسانی که در کودکی تعمید یافته‌اند، هرگز نشانی از ایمان از خود بروز نمی‌دهند؟ ایمانشان به کجا رفته است؟

در میان مسیحیان انجیلی، مسیحیان سنت اصلاح‌شده، استوارترین استدلال را برای تعمید نوزادان ارائه می‌کنند که بر پیوند میان پیمان‌های پروردگار و نشانه‌های آن پیمان‌ها متمرکز است. عهد، رابطه‌ای است که خدا آزادانه با انسان‌ها برقرار می‌کند و آن را با سوگندی تأیید می‌نماید.^۳ عهد‌ها اغلب با نشانه‌هایی همراه هستند که شرایط و برکات آن عهد را به وضوح نمایش می‌دهند. عهد خدا با ابراهیم با نشان عهد ختنه همراه بود، که تحت عهد موسی نیز پابرجا ماند (پیدایش ۱۷: ۱-۱۴؛ لاویان ۱۲: ۳). خدا با ابراهیم عهدی بست و به او فرمود تا تمامی فرزندان پسرش را ختنه کند. عهد خدا نوادگان ابراهیم را در بر می‌گرفت، همان‌طور که نشان آن عهد نیز آن‌ها را شامل می‌شد.

مسیحیان اصلاح‌شده بر استمرار در سرتاسر تاریخ طرح نجات خدا تأکید می‌کنند. آنان به درستی تأیید می‌کنند که خدا یک طرح نجات دارد که آن را در طول زمان به اجرا درمی‌آورد و همه کسانی که این نجات را تجربه می‌کنند، متعلق به قوم حقیقی او هستند. آن‌ها همچنین استدلال می‌کنند که یک «پیمان فیض» وجود دارد که تمامی مؤمنان در طول تاریخ در آن شریک هستند. این عهد، نخستین بیان خود را در وعده خدا به آدم و حوا در باغ عدن می‌یابد (پیدایش ۳: ۱۵) و در مسیح به کمال می‌رسد. و آن‌ها عموماً استدلال می‌کنند که هر یک از پیمان‌های خدا با قومش، بیانی یا تدبیری از جنس پیمان فیض است.

بنابراین، پدوبپتیست‌های اصلاح‌شده متنی مانند اعمال رسولان ۲: ۳۸-۳۹ را به عنوان بیان اصلی می‌بینند که برای هر دو عهد ابراهیمی و عهد جدید مشترک است. بطرس پس از ترغیب شنوندگانش به توبه و غسل تعمید، می‌گوید: «زیرا این وعده برای شما و فرزندان شما و همه کسانی است که دورند، یعنی هر که خداوند خدای ما او را فرا خواند.» پدوبپتیست‌های اصلاح‌شده

و اما در باره تعمید نوزادان؟

استدلال می‌کنند که همان‌طور که خدا وعده عهد خود با ابراهیم (و در نتیجه نشانه عهد) را به قوش و فرزندان نوزاد آنان تعمیم داد، به همین ترتیب، وعده عهد جدید خود (و در نتیجه نشانه عهد جدید، یعنی غسل تعمید) را نیز به مؤمنان و فرزندانشان تعمیم می‌دهد. بی‌بی. وارفیلد، این استدلال برای غسل تعمید نوزادان را چنین خلاصه می‌کند: «خدا کلیسای خود را در زمان ابراهیم بنا نهاد و کودکان را در آن قرار داد. آنان باید در آن بمانند تا زمانی که او آنها را خارج کند. او هیچ‌گاه آنان را خارج نکرده است. پس آنان همچنان اعضای کلیسای او هستند و به این عنوان، از آیین‌های آن بهره‌مندند.»^۲

استدلال مخالف تعمید نوزادان

من احترام و ارادت بسیاری به مسیحیان پدوبپتیست دارم که با این رویکرد به بحث می‌پردازند. برخی از آن‌ها دوستان صمیمی و قهرمانان تاریخی من هستند. و استدلال‌هایی که بر شرم‌مرد، دقت و تعهد عمیق آنان را به کلام خدا نمایان می‌سازد. با این وجود، به نظر من این دلایل متقاعدکننده نیستند. در ادامه، شش دلیل برای این مسئله ذکر می‌شود.

۱. پدوبپتیسم، نشانه اتحاد با مسیح را بر کسانی اعمال می‌کند که با مسیح متحد نیستند. این عمل، نشانه را از واقعیت آن جدا می‌سازد.

تعمید، نمادی است از یگانگی یک ایماندار با مسیح در مرگ، دفن و رستاخیز او (رومیان ۶: ۴-۱؛ کولسیان ۲: ۱۱-۱۲). اما نوزادان با مسیح یگانه نیستند. همه انسان‌ها، حتی کسانی که از پدر و مادر مسیحی زاده می‌شوند، باید مسیح را از طریق ایمان بپذیرند تا به واسطه روح القدس با او یکی شوند.

برخی از کودکانی که در خانه‌های مسیحی بزرگ می‌شوند، لحظه‌ای را به یاد نمی‌آورند که به عیسی ایمان نداشتند، اما این بدان معنا نیست که با ایمان به عیسی زاده شده‌اند. روح القدس می‌بایست به آن‌ها ایمان ببخشد و توبه را در آنان بیدار سازد. آن‌ها باید از سلطنت شیطان به

پسر منتقل شوند (کولسیان ۱: ۱۳). آن‌ها باید از مرگ به زندگی برخیزند، از شاهزادهٔ این دنیا رهایی یابند و از خشم خدا نجات یابند (افسیسیان ۲: ۱-۳).

اما پدوبپیتسیم (تعمید نوزادان)، نشانه‌ای از پیوند با مسیح را بر کسانی می‌نهد که با مسیح یگانه نیستند. این آیین، نماد را از حقیقتی که بیانگر آن است، جدا می‌سازد. با این کار، پدوبپیتسیم، تعمید را به یک تناقض تبدیل می‌کند. تعمید نشانه‌ای است که انجیل در زندگی فرد تأثیر گذاشته و آموزش، پاک‌ی، آشتی، تولد دوباره و زندگی نو را به همراه آورده است. اما پدوبپیتسیم، این نماد را به جایی گسترش می‌دهد که هیچ یک از این واقعیت‌ها در آن وجود ندارد. فرزندان نوزاد ایمانداران از راه ایمان با مسیح یگانه نیستند، پس کلیساها نباید آنان را تعمید دهند.

۲. پدوبپیتسیم، تولد از والدین مسیحی را با تولد دوباره از روح القدس اشتباه می‌گیرد.

روش دیگر برای بیان این مسئله آن است که پدوبپیتسیم (غسل تعمید نوزادان)، تولد از والدین مسیحی را با تولد دوباره از روح القدس اشتباه می‌گیرد. من نمی‌گویم که همهٔ مسیحیان پدوبپیتسیم در ذهن خود این دو را با هم خلط می‌کنند؛ بلکه می‌گویم عمل آن‌ها این دو را اشتباه می‌گیرد. یک مسیحی پدوبپیتسیم ممکن است به خوبی بداند که پسر نوزادش برای تولد دوباره از روح القدس نیاز به ایمان به مسیح دارد، اما با غسل تعمید دادن او، خود عمل گواهی می‌دهد که او از قبل چنین است.

اعتقادنامهٔ وست‌مینستر می‌گوید که اثربخشی غسل تعمید به زمان اجرای آن وابسته نیست. به عبارت دیگر، غسل تعمید نوزاد حتی اگر فرد دریافت‌کننده سال‌ها بعد به مسیح ایمان آورد، همچنان معتبر است. اما مشکل اینجاست که خود نشانه سخن می‌گوید. خود نشانه می‌گوید: «این فرد با مسیح متحد است. این فرد با مسیح دفن و برخاسته شده است. این فرد از مرگ به حیات تازه در مسیح منتقل شده است.» اگر پدوبپیتسیم‌ها به دنبال نشانه‌ای هستند که نمایانگر امکان آیندهٔ اتحاد با مسیح باشد، باید چیزی غیر از غسل تعمید پیدا کنند. غسل تعمید در زمان حال

سخن می‌گوید.

در نتیجه، پدوبیتیسم به طور مؤثری این پیام را منتقل می‌کند که تولد دوباره چیزی است که از طریق تولد طبیعی به ارث می‌رسد. این عمل نشان می‌دهد که فرزندان نوزاد ایمانداران در شرایط روحانی اساساً متفاوتی نسبت به سایر نوزادان قرار دارند. قطعاً محیط روحانی فرزندان ایمانداران با فرزندان غیرایمانداران متفاوت است— که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. اما غسل تعمیم نوزاد می‌گوید که تفاوت فقط در محیط نیست، بلکه در خود آن‌هاست. فارغ از تمایزات الهیاتی قابل قبولی که پدوبیتیست‌ها قائل می‌شوند، عمل آن‌ها تولد از والدین مسیحی را با تولد دوباره از روح القدس اشتباه می‌گیرد.

۳. پدوبیتیسم، به اشتباه فرض می‌کند که خدا قوم عهد جدید خود را به همان شیوه‌ای که قوم عهد قدیم خود را تشکیل داد، شکل می‌دهد.

افزون بر این، پدوبیتیسم به اشتباه فرض می‌کند که، دست‌کم به یک طریق حیاتی، خدا قوم عهد جدید خود را به همان شیوه‌ای که قوم عهد قدیم خود را تشکیل داد، شکل می‌دهد. تحت عهد قدیم، خدا قومش را از طریق تبار خانوادگی به یک گروه قومی متمایز شکل داد. تحت عهد جدید، خدا قومش را با کلام و روح خود به مردمی تبدیل می‌کند که از تمامی ملت‌ها جمع شده و نام او را می‌خوانند.

به یاد داشته باشید که استدلال پدوبیتیست‌ها بر یک قیاس قوی بین غسل تعمیم و ختنه استوار است. خدا به ابراهیم فرمان داد که نوادگان خود را ختنه کند، بخشی از این فرمان برای آن بود که نوادگان ابراهیم به قوم قومی قابل شناسایی و متمایز از جهان اطراف خود تبدیل شوند. این هدف ایجاد ملت واحد، با خروج از مصر و اعطای عهد موسی در سینا به ثمر نشست؛ آنچه کلام خدا در جاهای دیگر «عهد قدیم» می‌نامد (دوم قرتیان ۳: ۱۴). هنگامی که خدا اسرائیل را از مصر بیرون آورد، آن‌ها را به سوی خود خواند و به آن‌ها نقشی ویژه بخشید. آن‌ها باید از شریعت او اطاعت می‌کردند تا دارایی گران‌بهای او در میان تمامی مردم باشند و به عنوان پادشاهی از کاهنان و امتی

پاک خدمت کنند (خروج ۱۹: ۴-۶).

خدا اسرائیل را بر روی صحنه جهانی قرار داد تا به ملت‌ها نشان دهد که او چگونه است. او می‌خواست اسرائیل در راه‌های او گام بردارد تا تمامی ملت‌های اطراف دقت کرده و به آن توجه کنند (تثنیه ۴: ۸-۱). و او اسرائیل را از آن ملت‌ها متمایز ساخت، در وهله اول، با ختنه. تمامی فرزندان پسر در اسرائیل باید ختنه می‌شدند (پیدایش ۱۷: ۱۲) و تمامی بیگانگانی که می‌خواستند به قوم اسرائیل بپیوندند نیز باید ختنه می‌شدند (خروج ۱۲: ۴۸). از زمان فراخوانی ابراهیم تا آمدن مسیح، قوم خدا با ختنه از دنیا جدا می‌شدند.

در طول آن زمان، مرد اسرائیلی ختنه شده، عضوی از قوم خدا بود، چه وضعیت روحانی او با وضعیت ختنه شده‌اش مطابقت داشت و چه نداشت. ختنه نماد تقدیس به خدا بود و از کسانی که برای خدا جدا شده بودند، می‌خواست که زندگی‌ای وقف خدا کنند. به همین دلیل خدا به قومش فرمان داد: «پس دل‌های خود را ختنه کنید و دیگر گردن‌سخت نباشید» (تثنیه ۱۰: ۱۶؛ نیز رجوع کنید به ارمیا ۴: ۴). اما البته، هر کسی که در جسم ختنه شده بود، در قلب ختنه نشده بود. در واقع، همان‌طور که تمام داستان اسرائیل نشان می‌دهد، بیشتر قوم خدا در عهد قدیم از او نافرمانی کردند. آن‌ها بت پرستی کردند و مرتکب بی‌عدالتی و بی‌اخلاقی شدند. پادشاهان، شاهزادگان، پیامبران، کاهنان و مردم به طور کلی از خداوند روی برگرداندند و او را به خشم آوردند (ارمیا ۳۲: ۳۰-۳۳). شرارت مردم به قدری زیاد شد که خدا در نهایت قومش را از سرزمینشان بیرون کرد و نفرین‌های عهد را بر سر آنان فرود آورد؛ ابتدا اسرائیل در شمال، سپس یهوذا در جنوب (تثنیه ۲۸: ۱۵-۶۸؛ دوم پادشاهان ۱۷: ۶-۲۳؛ ۲۵: ۱-۲۱).

پس خدا برای اسرائیل برنامه‌ای داشت؛ برنامه‌ای تا شکوه خود را از طریق آنان به تمامی ملت‌ها بنمایاند. او عهد کهن را به آن‌ها سپرد تا فرمانبردار باشند، به اوج برسند و از دیگر ملت‌ها جدا گردند، و گواه بر حکمت بی‌همتای او باشند. اما قلب‌های مردم آلوده بود. گناه آنان ریشه‌ای عمیق‌تر از هر چاره‌ای داشت که شریعت می‌توانست پیش رو بگذارد. آنان از تمام مواهب بهره‌مند

و اما در بارهٔ تعمیم نوزادان؟

بودند— شریعت، عبادت در معبد، جلالِ خدا که در میانشان ساکن بود (رومیان ۹: ۴)— و با این حال، تمامی آن مواهب در آخری اثر از آب درآمدند. شمارِ زیادی از کسانی که در عهد بودند، در نگهداری آن شکست خوردند. آن‌ها نافرمانی کردند و مجازات شدند. آنچه قوم خدا بدان نیاز داشت، بی‌یونید یک قلبِ تازه بود. و این دقیقاً همان چیزی است که خدا وعده داد در عهدِ جدید به آنان ببخشد.

«خداوند می‌فرماید: «اینک روزهایی فرا می‌رسد که من با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی تازه خواهم بست، نه مانند عهدی که با پدرانشان بستم آن روز که دست ایشان را گرفتم تا از سرزمین مصر به در آورم،» زیرا خداوند می‌فرماید، «آنان عهد مرا شکستند، با آنکه من شوهرشان بودم.» اما خداوند می‌گوید: «این است عهدی که پس از آن ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست: شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و بر دلشان خواهم نگاشت، و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. دیگر کسی به همسایه یا به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت «خداوند را بشناسید!»» زیرا خداوند می‌گوید، «همه از خُرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، از آن رو که تقصیر ایشان را خواهم آمرزید و گناهشان را دیگر به یاد نخواهم آورد.» (إرمیا ۳۱: ۳۱ - ۳۴).

خداوند با قاطعیت اعلام می‌دارد که این عهد، مانند عهدی که او پس از بیرون آوردن اسرائیل از مصر در کوه سینا با آنان بست، نخواهد بود. تفاوت آن در چیست؟ آنان این یکی را نخواهند شکست (آیه ۳۲).

چرا این عهد را نخواهند شکست؟ زیرا خدا تعالیم خود، یعنی تورات خویش را در درون آنان قرار می‌دهد و آن را بر قلب‌هایشان می‌نگارد (آیه ۳۳). شریعتِ خدا چیزی خارجی نخواهد بود که مانند یک خواستهٔ خشک و خالی در برابر آنان بایستد. بلکه در درونشان ساکن خواهد شد، از عمق وجودشان جوشش خواهد کرد و آنان را به سلوک در راه‌های خداوند هدایت خواهد نمود. در فصل بعد، خداوند همین وعده را با بیانی دیگر تکرار می‌کند و می‌گوید: «و ایشان را یک دل

و یک طریق خواهم داد تا به جهت خیریت خویش و خیریت فرزندانِشان که پس از ایشان خواهند بود، همیشه از من بترسند. و عهد جاودانی با ایشان خواهم بست که هرگز از نیکویی کردن به ایشان بازنایستم. و ترس خود را در دل ایشان خواهم نهاد تا از من روی برتابند.» (ارمیا ۳۲: ۳۹-۴۰). این عهد جدید ابدی خواهد بود، زیرا خودِ خدا قومش را قادر می‌سازد که از او پروا داشته باشند تا از او اطاعت کنند، به او وفادار بمانند و هرگز دیگر از او روی نگردانند. این روش دیگری است برای گفتن اینکه او قلب‌های مردم را ختنه خواهد کرد و کاری را برایشان انجام خواهد داد که خودشان هرگز نمی‌توانستند تا انجام بدهند (تثنیه ۳۰: ۶).

خداوند همین وعده را به شیوه‌ای دیگر نیز بازگو می‌کند، آنجا که در حزقیال اعلام می‌دارد: «و دلی تازه به شما خواهم بخشید و روحی تازه در اندرونتان خواهم نهاد و دل سنگی را از پیکر شما به در آورده، دلی گوشتین به شما خواهم داد. روح خود را در اندرونتان خواهم نهاد و شما را به فریاض خود سالک خواهم گردانید، و شما قوانین مرا نگاه خواهید داشت و آنها را به جا خواهید آورد.» (حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷). خدا به قومش قلب‌هایی نو خواهد بخشید و حتی روح خویش را در درونشان ساکن خواهد ساخت، تا نتیجه آن، اطاعتِ آنان از اراده او به شیوه‌ای باشد که هرگز پیش از این بدان نپرداخته‌اند. شریعت بر قلبشان، یک دل و یک راه، قلب‌های ختنه‌شده، قلبی از گوشت و نه سنگ، روحِ خدا در درونشان؛ تمامی این‌ها راه‌هایی هستند برای بیان این حقیقت که در عهد جدید، قومِ خدا او را می‌شناسند و از او فرمان می‌برند، زیرا خودِ خدا آنان را از درون دگرگون می‌سازد.

همچنین بنگرید که در وعده عهد جدید در ارمیای ۳۱، همسایه‌ها دیگر لازم نیست به یکدیگر بگویند «خداوند را بشناسید»، «زیرا همه آنان، از کوچک تا بزرگ، مرا خواهند شناخت» (آیه ۳۴). همه مردم خدا، او را خواهند شناخت. آنچه در تمام وعده‌هایی که به آن پرداختیم پنهان بود، خدا در اینجا آشکار می‌سازد: تمامی قوم او دگرگون خواهند شد. همه کسانی که در عهد هستند، آن را به کمال خواهند رساند. همه کسانی که به عنوان قوم خدا نشانه‌گذاری شده‌اند، حقیقتاً چون

و اما درباره تعمیم نوزادان؟

قوم او زندگی خواهند کرد. این عهد جدید سرانجام فاصله میان تعلق به عهد و عمل به آن را از میان برخواهد داشت. این، علت وجودی آن است.

مردم عهدی را که خدا با آنان در کوه سینا بسته بود، خوار شمردند و سزای عادلانه گناه خود را با ویرانی و تبعید متحمل شدند. اما در عهد جدید، تمامی قوم خدا نه فقط برخی از آن‌ها خدا را خواهند شناخت و او را خدمت خواهند کرد. گناهان همه قوم خدا آمرزیده خواهد شد (آیه ۳۴). همه قوم خدا حقیقتاً قوم او خواهند بود، نه فقط از بیرون بلکه از درون. دقیقاً همین است که عهد جدید را «جدید» می‌سازد، و آن را به طور قاطع از نحوه ارتباط خدا با قومش از طریق عهد که با موسی بسته متمایز می‌سازد (آیه ۳۱).

خداوند اکنون، در مرگ و رستاخیز مسیح، این عهد جدید را آغاز کرده است (لوقا ۲۲: ۲۰؛ عبرانیان ۹: ۱۵). و در پنتیکاست، روح خود را همان‌گونه که از طریق انبیا وعده داده بود، بر قومش فرو ریخت (اعمال رسولان ۲: ۱-۳۱). از آن زمان به بعد، او با کلام و روح خود، قوم عهد جدیدش را به سوی خود فرا می‌خواند.

در عهد قدیم، خدا قوم خود را با نشانه‌گذاری نوادگان ابراهیم به عنوان یک قوم متمایز، شکل داد. او به آنان ختنه و تمامی شریعت خود را عطا کرد تا از دنیا متمایز باشند. اما همه کسانی که در جسم ختنه شده بودند، در قلب ختنه نشده بودند. همه کسانی که در عهد بودند، عهد را نگاه نداشتند. قوم خدا با ختنه قابل شناسایی بودند، فارغ از اینکه وضعیت روحانی‌شان چگونه است.

اما در عهد جدید، خدا قوم خود را به شکلی بنیادین متفاوت شکل می‌دهد. خدا دیگر جامعه‌ای قومی را از راه نسب خانوادگی تکثیر نمی‌کند. بلکه با اعمال کلام انجیل بر قلب‌های مردمان، از طریق روح خویش، قوم عهد جدید را از میان هر ملتی فرامی‌خواند. خدا قوم عهد جدید خویش را با بخشیدن تولد تازه به آن‌ها شکل می‌دهد. راه ورود به قوم عهد جدید خدا—تنها راه آن—تولد دوباره به واسطه روح القدس است.

پدوبیتیسیم (تعمیم نوزادان) به اشتباه فرض می‌کند که، به شیوه‌ای سرنوشت‌ساز، خدا قوم عهد

جدیدش را همان‌گونه شکل می‌دهد که قوم عهدِ کهنِ خود را شکل داد: بر پایهٔ نسبِ خانوادگی. پدوپیتیس‌ها نشانِ عهدِ تعمیم را به فرزندانِ نوزادِ ایمانداران تعمیم می‌دهند، چرا که باور دارند آن نوزادان در عهدِ جدید جای دارند. اما انسان نه با تولدِ طبیعی، بلکه با تولدِ روحانی وارد عهدِ جدید می‌شود. همهٔ آنان که در عهدِ جدیدند، گناهانشان آمرزیده شده و خداوند را می‌شناسند. همهٔ آنان که در عهدِ جدیدند، شریعتِ خدا بر قلب‌هایشان نگاشته شده است. همهٔ آنان که در عهدِ جدیدند، روح خدا در وجودشان ساکن است، آنان را تازه می‌کند و قادر می‌سازد تا در راه‌های خدا سلوک کنند. زاده شدن از پدر و مادرِ مسیحی تضمینی نیست که این حقایقِ عهدِ جدید برای فردی حقیقت یابد.

عهدِ جدید بر اساس تولد کار نمی‌کند، بلکه بر اساس تولدِ دوباره است. پس، نشانِ عهدِ جدید تنها باید به کسانی داده شود که با اقرارِ ایمانِ خویش به مسیح، گواهی بر آن تولدِ تازه به دست می‌دهند.

۴. پدوپیتیس (تعمیم نوزادان)، شور و روشنایی کلیسا را تضعیف می‌کند
(متی ۵: ۱۳-۱۶).

در عهدِ قدیم قوم خداوند، ذاتاً ترکیبی از افراد با وضعیت‌های روحانی متفاوت بودند. نشانهٔ فیزیکی ختنه، پیش از واقعیت روحانی قلب ختنه‌شده می‌آمد و هیچ تضمینی برای آن نبود. اما دقیقاً همین نکته‌ای است که خداوند در عهدِ جدید تغییر می‌دهد. از نظر ساختاری، تمام افرادِ عهدِ جدید، کسانی هستند که قلبشان تازه شده، گناهانشان بخشیده شده و روح خدا در درونشان ساکن است.

درست است که برخی غیرمسیحیان نیز به ناچار وارد کلیسا می‌شوند، اما این جزو ماهیت و طراحی کلیسا نیست! این مانند آن است که بگوییم برخی افراد متأهل، شهوت‌رانی می‌کنند و مرتکب زنا می‌شوند. بله، این اتفاق می‌افتد، اما نباید چنین باشد! به همین دلیل است که عیسی انضباط کلیسایی را وضع کرد (متی ۱۸: ۱۵-۲۰). کسانی که زندگی توبه‌نکرده‌شان نشان می‌دهد

و اما درباره تعمید نوزادان؟

که عضو عهد جدید نیستند، باید از جامعه عهد جدید طرد شوند. این حقیقت که عیسی چنین فرمانی می‌دهد، نشان می‌دهد که کلیسا، برخلاف اسرائیل در عهد قدیم، قرار است جامعه‌ای از افرادی باشد که همگی خداوند را می‌شناسند.

غسل تعمید کودکان، کسانی را که در واقعیت‌های عهد جدید سهیم نیستند، وارد جامعه عهد جدید روی زمین می‌سازد. این عمل، افراد را پیش از آنکه در مسیح باشند، در کلیسا قرار می‌دهد. در واقع از کسانی که مسیحی نیستند، عضو کلیسا می‌سازد. به ناچار، این کار باعث تضعیف شهادت کلیسا به مسیح می‌شود. تادیب یک جوان نوزده‌ساله که در کودکی غسل تعمید یافته و اکنون بدون توبه گناه می‌کند، بسیار دردناک‌تر است تا اینکه به سادگی صبر کنیم و غسل تعمید جوان را به زمانی موکول کنیم که به صورت معتبر ایمان خود به مسیح را اعلام کند. بنابراین، با وجود نیت خیر مسیحیانی که غسل تعمید کودکان را انجام می‌دهند، غسل تعمید نوزادان به مرور زمان، نمک کلیسا را کم‌نمک‌تر و نور او را کم‌فروغ‌تر می‌کند (متی ۵: ۱۳-۱۶). غسل تعمید کودکان، در طول زمان، کلیسا را بیشتر شبیه به دنیا خواهد کرد، چرا که دنیا را وارد کلیسا می‌کند.

۵. تعمید نوزادان (Paedobaptism) دو تفاوت اساسی میان غسل تعمید و ختنه را از بین می‌برد.

پدوبپتیسیم (تعمید نوزادان) همچنین دو تفاوت اساسی میان غسل تعمید و ختنه را از بین می‌برد. نخست، بخشی از نقش ختنه، مشخص کردن قوم خدا به عنوان یک گروه قومیتی مجزا بود. ختنه این هدف را محقق می‌کرد، صرف‌نظر از اینکه آیا فرد ختنه‌شده، قلبش نیز ختنه شده بود یا نه. ختنه بخشی از راهکاری بود که خداوند با آن، قوم عهد قدیم خود را بر اساس خطوط قومی، خانوادگی و سیاسی شکل می‌داد. گاهی اوقات طرفداران غسل تعمید کودکان، جنبه روحانی ختنه را آنقدر پررنگ می‌کنند که عملکرد قومی و سیاسی آن را کاملاً نادیده می‌گیرند. در مقابل، غسل تعمید، خط نسب دیگری را به تصویر می‌کشد: تولد دوباره توسط روح.

دوم، ختنه نشان‌دهنده تعلق یک اسرائیلی به خدا بود. این عمل، فرد را برای خدا وقف می‌کرد و او را وارد ملت «مقدس» خدا یعنی جدا شده می‌ساخت. به این ترتیب، ختنه به نیاز قوم خدا اشاره داشت که برای هماهنگی با جایگاه عهد خود، قلب و زندگی‌شان را وقف خدا کنند. قوم اسرائیل از قبل ختنه شده بودند، اما خداوند از آنها خواست که خود را از درون ختنه کنند، قلبشان را ختنه کنند (تثنیه ۱۰: ۱۶؛ ارمیا ۴: ۳). و خود عمل بریدن بخشی از بدن یک مرد، سرنوشتی را تهدید می‌کرد که خود آن مرد در صورت نافرمانی از عهد، دچارش می‌شد یعنی جدا شدن از حضور و قوم خدا (پیدایش ۱۷: ۱۱-۱۴). به عبارت دیگر، ختنه حامل مطالبه برای قدوسیت بود. این عمل به نیاز اسرائیلیان برای داشتن طبیعت جدید اشاره می‌کرد.

از سوی دیگر، غسل تعمید شهادت می‌دهد که فردی تولد دوباره یافته، هویت جدید دریافت کرده و به صورت درونی توسط روح تازه شده است. غسل تعمید گواهی می‌دهد که شخص با مسیح متحد شده و در او حیات نو یافته است. عهد جدید به ایمانداران نمی‌گوید: «پس دل‌های خود را ختنه کنید و دیگر گردنکشی ننمایید.» (مانند تثنیه ۱۰: ۱۶). بلکه به ایمانداران می‌گوید: «پس چه گوئیم؟ آیا به گناه کردن ادامه دهیم تا فیض افزون شود؟ هرگز! ما که نسبت به گناه مردیم، چگونه می‌توانیم به زندگی در آن ادامه دهیم؟ آیا نمی‌دانید همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟ پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان‌گونه که مسیح به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم.» (مانند رومیان ۶: ۱-۴). غسل تعمید به وعده حیات جدید اشاره دارد که در مسیح و در زندگی یک ایماندار محقق شده است. ختنه فرد را در جایگاهش وقف می‌کرد و وقف کردن قلب را مطالبه می‌نمود؛ اما غسل تعمید می‌گوید که وقف قلب در مسیح به وقوع پیوسته است.

کسانی که به غسل تعمید کودکان باور دارند، یک خط مستقیم و واضح از ختنه به غسل تعمید ترسیم می‌کنند. آنها معتقدند ختنه فیزیکی، کمال عهد جدید خود را در غسل تعمید می‌یابد. اما این خطی نیست که پولس رسول ترسیم می‌کند. به کولسیان ۲: ۱۱-۱۲ توجه کنید:

و اما در باره تعمید نوزادان؟

«و در او ختنه نیز شده‌اید، به ختنه‌ای که با دست انجام نشده است. این ختنه همانا از تن به در آوردن شخصیت نفسانی است در ختنه مسیح. و در تعمید، با او مدفون گشتید و با ایمان به قدرت خدا که مسیح را از مردگان برخیزانید، با او برخیزانیده شدید.»

پولس می‌گوید که مسیحیان ختنه شده‌اند. چگونه؟ این ختنه «بدون دست‌ها» انجام شده، یعنی توسط هیچ انسانی نبوده است. پس چه کسی ما را ختنه کرده است؟ این اتفاق زمانی افتاد که ما «جسم را از خود دور کردیم»، یعنی زمانی که طبیعت کهنه و گناه‌آلود خود را به دور انداختیم. چه کسی قدرت انجام چنین کاری را دارد؟ البته فقط خدا. پس ما مسیحیان زمانی «ختنه» شدیم که خود خدا «شخصیت کهنه» ما را برید، طبیعت گناه‌آلودمان را میراند و در عیسی، قلبی نو، روحی تازه و شخصیتی جدید به ما بخشید. به عبارت دیگر، پولس می‌گوید که همه مسیحیان همان ختنه قلبی را تجربه کرده‌اند که خدا از اسرائیل مطالبه کرده و از طریق پیامبران وعده‌اش را داده بود.

این مسئله چه ارتباطی به غسل تعمید دارد؟ پولس در اینجا می‌گوید که در غسل تعمید، ما از طریق ایمان با مسیح دفن و برخاسته شدیم. از آنجا که غسل تعمید جایی است که ایمان علنی می‌شود، پولس از غسل تعمید به عنوان یک اشاره کوتاه به کل تجربه ایمان آوردن ما استفاده می‌کند. چه زمانی ما شخصیت کهنه خود را کنار گذاشتیم؟ زمانی که از طریق ایمان با مسیح دفن و برخاسته شدیم. و غسل تعمید این مرگ و قیام را که ما به واسطه ایمان تجربه می‌کنیم، به تصویر می‌کشد.

پس ختنه چه ارتباطی به غسل تعمید دارد؟ غسل تعمید نشانه عهد جدید ختنه قلب است، نه ختنه جسم. غسل تعمید نشان می‌دهد که واقعیت‌هایی که ختنه مطالبه می‌کرد اما تضمین نمی‌کرد، اکنون در زندگی یک ایماندار به حقیقت پیوسته‌اند. غسل تعمید می‌گوید که آنچه ختنه به آن اشاره داشت اما خود فاقد آن بود، اکنون محقق شده است. ختنه چگونه در عهد جدید به کمال می‌رسد؟ نه با غسل تعمید دادن به نوزادانی که هنوز واقعیت‌های عهد جدید را تجربه نکرده‌اند—و شاید هرگز تجربه نکنند. بلکه، ختنه در عهد جدید از طریق روشی به کمال می‌رسد که غسل تعمید،

ختنه قلب را به تصویر می‌کشد. ختنه به اسرائیل گفت: «خودتان را نو کنید!» اما غسل تعمید به مسیحیان می‌گوید: «این شخص نو شده است»

۶. پدوپتیسیم و وعده عهد جدید خدا را از حد یک وعده فرو می‌کاهد.

در نهایت، تعمید کودکان (Paedobaptism) از ارزش وعده عهد جدید خداوند می‌کاهد. حامیان غسل تعمید کودکان تمایل به نقل قول از اعمال رسولان ۲: ۳۸-۳۹ دارند: «زیرا این وعده برای شما و فرزندان شماست.» اما در اینجا، دقیقاً از چه وعده‌ای صحبت می‌کنیم؟ مدافعان غسل تعمید کودکان می‌گویند که خداوند وعده عهد جدید خود را هم به ایمانداران و هم به فرزندانشان می‌دهد. با این وجود، آنها نیز می‌پذیرند که بسیاری از کسانی که در نوزادی غسل تعمید می‌یابند، عملاً به مسیح نمی‌پیوندند. بسیاری از کسانی که نشانه عهد جدید را در دوران نوزادی دریافت می‌کنند، هرگز واقعیت‌های عهد جدید را تجربه نمی‌کنند. در این شرایط، وعده عهد جدید خداوند از چه حیث یک وعده حقیقی تلقی می‌شود؟

به گمان من، بر اساس عملکرد کسانی که به غسل تعمید کودکان باور دارند، چنین نیست. برای رفع این فشار، بیشتر آن‌ها به شکلی استدلال می‌کنند که دو راه برای تعلق به عهد جدید وجود دارد—یکی بیرونی و دیگری درونی. به عبارت دیگر، شما می‌توانید عضوی از عهد جدید باشید، اما گناهانتان آرمزیده نشده باشد، شریعت خدا بر قلبتان نوشته نشده باشد، و او را شناسید. اما همان‌طور که پیش از این دیدیم، این شکاف میان تعلق به عهد و تحقق آن، دقیقاً همان چیزی است که وعده عهد جدید خداوند آن را از بین می‌برد. در عهد جدید، خداوند وعده می‌دهد که تمام کسانی که در عهد هستند، آن را به تحقق می‌رسانند و برکاتش را تجربه خواهند کرد، دقیقاً به این دلیل که او خود تحقق آن را تضمین می‌کند. خود خداوند شریعت خود را بر قلب‌های ایشان می‌نویسد، دانش حقیقی از خود را به آنها اعطا می‌کند و گناهانشان را می‌آمرزد (ارمیا ۳۱: ۳۴-۳۱). تمام هدف عهد جدید این است که بودن در عهد، به معنای تحقق آن است؛ تعلق به قوم عهد جدید به معنای داشتن قلبی نو و شخصیتی تازه است.

و اما در باره تعمید نوزادان؟

با قرار دادن فرزندان نوزاد ایمانداران در عهد جدید، غسل تعمید کودکان وعده عهد جدید خداوند را به چیزی کمتر از یک وعده تبدیل می‌کند. این عمل، سیر تاریخ رستگاری را معکوس کرده و دقیقاً همان تفرقه‌ای را وارد عهد جدید می‌کند که خداوند آن را از بین برده بود: شکاف میان تعلق به عهد و تحقق آن، میان جزو قوم خدا بودن و شناخت حقیقی خداوند.

تعمید کودکان (Paedobaptism) مقوله‌ای با عنوان «در عهد جدید، اما نه از عهد جدید» را ابداع می‌کند. این امر از ارزش وعده خداوند می‌کاهد. غسل تعمید نوزادان، تضمینی برای این نیست که کودک در آینده خداوند را خواهد شناخت، همان‌طور که حامیان غسل تعمید کودکان آزادانه به این واقعیت اذعان دارند. در این صورت، خداوند چه «وعده‌ای» به فرزندان ایمانداران می‌دهد؟ این وعده، وعده عهد جدید نیست. اگر ممکن باشد وعده‌ای محقق نشود، آن وعده نمی‌تواند وعده از جانب پروردگار باشد.

پاسخ به ایرادات مطرح شده

مسئلاً، مدافعان تعمید کودکان (Paedobaptists) در برابر استدلال‌های ارائه شده، پاسخ‌های متقابلی مطرح می‌کنند. به منظور رعایت دقت و انصاف، به بررسی پنج مورد از آنها می‌پردازیم.^۵

۱. رویدادهای غسل تعمید خانوادگی که در کتاب اعمال رسولان ثبت شده، حاکی از آن است که در عهد جدید، خداوند همچنان با خانواده‌ها به مثابه یک واحد تعامل می‌نماید.

مدافعان غسل تعمید کودکان مکرراً به آنچه «غسل تعمیدهای خانوادگی» در کتاب اعمال رسولان خوانده می‌شود (برای مثال اعمال ۱۶: ۱۵، ۳۱-۳۴؛ رجوع شود به اول قرنتیان ۱: ۱۶) استناد می‌کنند تا اثبات نمایند که در عهد جدید نیز، خداوند همچنان با خانواده‌ها به مثابه یک واحد تعامل می‌نماید. استدلال آنها بر این پایه است که اگر با ایمان آوردن سرپرست خانه، کل خانواده غسل تعمید می‌یافتند، قطعاً این شامل نوزادان نیز می‌شده است. و حتی اگر چنین نبود، این نشان

می‌دهد که عمل نجات‌بخش خداوند از طریق خانواده‌ها صورت می‌گیرد، نه جدا از آنها، بنابراین غسل تعمید باید به فرزندان ایمانداران اعطا گردد. این استدلال مطرح شده است. اما متن به طور دقیق چه می‌گوید؟ در ادامه، روایت پولس و سیلاس با نگاهی به زندان فیلیپی آمده است:

«آنگاه کلام خداوند را برای او و همه کسانی که در خانه‌اش بودند، بیان کردند. در همان ساعت از شب، زندانبان آنها را برداشته، زخمهایشان را شست، و بی‌درنگ او و همه اهل خانه‌اش تعمید گرفتند. او ایشان را به خانه خود برد و سفره‌ای برایشان گسترد. او و همه اهل خانه‌اش از ایمان آوردن به خدا بسیار شاد بودند.» (اعمال رسولان ۱۶: ۳۲ - ۳۴).

اولاً، به این نکته توجه کنید که پولس و سیلاس «کلام خداوند» را به همه افراد آن خانه منتقل کردند. هر فردی که در آن خانه حضور داشت، به اندازه‌ای سن داشت که قادر به دریافت موعظه انجیل باشد. این امر به خودی خود، علیه حضور نوزادان یا کودکان بسیار کم‌سن و سال در آنجا استدلال می‌کند. ثانیاً، نگاهی به زندان شادمان گشت، زیرا او «و همه اهل خانه‌اش» به خداوند ایمان آورده بود. قید یونانی در این بخش به معنای «با تمام اعضای خانواده‌اش»، می‌تواند هم به شادی و هم به ایمان آوردن اشاره داشته باشد، اما مفهوم جمله احتمالاً هر دو را شامل می‌شود. تمام اعضای خانواده نگاهی به زندان به همراه او شادمان شدند، زیرا آنها نیز، همانند او، انجیل را شنیده، ایمان آوردند و غسل تعمید گرفتند.

این آیات به هیچ وجه غسل تعمید را از ایمان به انجیل جدا نمی‌سازند. آنها هیچ توجیهی برای تعمیم نشانه انجیل به کسانی که هنوز به آن ایمان نیاورده‌اند، ارائه نمی‌کنند. و روایت خلاصه‌تر در اعمال ۱۶: ۱۵ باید در پرتو روایت با جزئیات بیشتر در اینجا خوانده شود. به علاوه، اگر این بخش‌ها به ما می‌آموزند که اعضای یک خانواده را که به مسیح ایمان نیاورده‌اند، غسل تعمید دهیم، پس چرا اکثر حامیان غسل تعمید کودکان، همسران ایمانداران جدید را غسل تعمید نمی‌دهند، فارغ از اینکه آیا ایمان آورده‌اند یا نه؟ و در مورد فرزندان نوجوان یا بزرگسال آنها چه می‌توان گفت؟

و اما درباره تعمید نوزادان؟

۲. پولس به کودکان توصیه می کند که از والدین خود «در خداوند» اطاعت نمایند (افسیسیان ۶: ۱) و فرزندان والدین ایماندار را «مقدس» خطاب می کند (اول قرنتیان ۷: ۱۴). این امر مستلزم آن است که آنها اعضای عهد باشند.

در افسسیان ۶: ۱، پولس به فرزندان می گوید که «در خداوند» از والدین خود اطاعت کنند، و در اول قرنتیان ۷: ۱۴ می گوید که فرزندان یک والد ایماندار «مقدس» هستند، حتی اگر یکی از والدین مسیحی نباشد. آیا این نشان نمی دهد که پولس، کودکان را اعضای عهد جدید می داند؟

بیاید از افسسیان ۶: ۱ شروع کنیم. این عبارت که پولس این کودکان را «در خداوند» خطاب می کند، به چه معناست؟ به گمان من، فرانک تیلمان، پژوهشگر عهد جدید مکتب پرسبیتین، پاسخی درخور ارائه می دهد. در تمام کتاب افسسیان، این عبارت به ایماندارانی اشاره دارد که با مسیح متحد شده اند. ایمانداران «در خداوند» به معبد مقدسی رشد می کنند (۲: ۲۱)، مسیحیان افسس پیش تر در تاریکی بودند اما «در خداوند» نور شدند (۵: ۸)، و موارد دیگر (۴: ۱؛ ۴: ۱۷). پس چرا پولس در اینجا به این شیوه با کودکان صحبت می کند؟ «زیرا آنها توسط ایمان با مسیح در یک بدن شده اند (۱: ۱۳)، پس باید از والدین خود اطاعت کنند.»^۶

به بیان دیگر، پولس کودکان را به عنوان اعضای عهد جدید که ممکن است از طریق ایمان با مسیح متحد شده باشند یا نشده باشند خطاب قرار نمی دهد. در عوض، او کودکان را به عنوان ایمانداران مخاطب قرار می دهد و به آنها توصیه می کند که به عنوان ایمانداران، از والدین خود اطاعت کنند. او به هیچ وجه به این مسئله که آیا فرزندان هنوز ایمان نیاورده والدین ایماندار، از جایگاه عهدی خاصی برخوردارند، نمی پردازد.

در اول قرنتیان ۷: ۱۴، پولس در برابر این ایده اشتباه مقاومت می کند که فردی که ازدواج کرده و سپس به مسیحیت ایمان می آورد، باید از همسر بی اعتقاد خود جدا شود. منطقی او چنین است

«زیرا شوهر بی‌ایمان به واسطه همسرش تقدیس می‌شود و زن بی‌ایمان به واسطه شوهرش. در غیر این صورت، فرزندان شما ناپاک می‌будند؛ اما چنین نیست، بلکه آنان مقدّسند.» مدافعان غسل تعمید کودکان اغلب از این استدلال چنین استنباط می‌کنند که پولس، فرزندان والد ایماندار را «مقدس» می‌داند، زیرا آنها اعضای عهد جدید محسوب می‌شوند، حتی اگر ضرورتاً تحقق وعده‌های آن را تجربه نکنند.

نخستین نکته قابل ذکر در اینجا این است که متن هیچ اشاره صریحی به غسل تعمید ندارد. ثانیاً، پولس همسر بی‌باور را به همان شیوه‌ای کودکان «مقدس» توصیف می‌کند. بنابراین، هر استدلالی برای غسل تعمید نوزادان در این متن، باید در عین حال استدلالی برای غسل تعمید بزرگسالان غیر مؤمن نیز باشد! محدود حامیان غسل تعمید کودکان این قدم را برمی‌دارند، از این رو استدلال آنها بر اساس این آیه کاملاً متناقض است.

۳. در رومیان ۴: ۱۱، پولس بیان می‌کند که ابراهیم نشانه ختنه را به مثابه تأییدی بر پارسایی حاصل از ایمان اخذ نمود.

در رومیان ۴: ۱۱، پولس می‌گوید که ابراهیم «اما نشانه ختنه را یافت تا مَه‌ری باشد بر آن پارسایی که پیش از ختنه شدن و از راه ایمان نصیبش شده بود. بدین‌سان، او پدر همه کسانی است که بدون ختنه ایمان می‌آورند تا ایشان نیز پارسا شمرده شوند.»

بنابراین، پولس تعلیم می‌دهد که نشانه ختنه، برای ابراهیم، مَه‌ری بر عدالتی بود که او از طریق ایمان و پیش از ختنه شدن به دست آورده بود. حامیان غسل تعمید کودکان (پدوبپتیسیم) به این نکته اشاره می‌کنند که فرزندان ابراهیم، که در هشت روزگی ختنه می‌شدند، این «مَه‌ر» عدالت از راه ایمان را پیش از آنکه به ایمان ابراهیم و عدالتی که از آن نشأت می‌گیرد، دست یابند، دریافت می‌کردند. به عبارت دیگر، خداوند به ابراهیم دستور داد که نشانه «عینی» ختنه را فارغ از اینکه واقعیت «ذهنی» عدالت از راه ایمان وجود داشته باشد یا نه، به دیگران منتقل کند. علاوه بر این، حامیان غسل تعمید کودکان استدلال می‌کنند که غسل تعمید و ختنه در اصل یک واقعیت را نشان

و اما درباره تعمیم نوزادان؟

می‌دهند: ختنه، نماد عدالت از راه ایمان بود و غسل تعمیم نیز نماد اتحاد با مسیح، که در او ما از طریق ایمان عادل شمرده می‌شویم. از این رو، درست مانند ختنه، غسل تعمیم نیز باید به عنوان یک نشانه «عینی» اتحاد با مسیح، به فرزندان اعضای عهد داده شود، چه واقعیت ذهنی ایمان وجود داشته باشد یا خیر و چه در آینده به وجود بیاید.

اما این صرفاً نکته‌ای نیست که پولس در این متن بر آن تأکید دارد. هدف پولس، ترتیب پارسایی و ختنه است: ابراهیم پیش از ختنه شدن، به واسطه ایمان پارسا شمرده شد. پیدایش ۱۵ مقدم بر پیدایش ۱۷ است. پولس این نکته را مطرح می‌کند تا بر این واقعیت تأکید نماید که ابراهیم «پدر همه کسانی است که بدون ختنه شدن ایمان می‌آورند» (رومیان ۳: ۱۱). به عبارت دیگر، غیریهودیان ختنه‌نشده‌ای که به مسیح ایمان می‌آورند، همانند ابراهیم، به واسطه ایمان پارسا اعلام می‌گردند. آنها برای دریافت برکات عهد پروردگار نیازی به ختنه شدن ندارند، چرا که خود ابراهیم در زمان دریافت پارسایی از راه ایمان، ختنه‌نشده بود.

به بیان دیگر، پولس در مورد ختنه ابراهیم سخن می‌گوید، نه ختنه دیگران. او در مورد معنای این امر برای خدا صحبت می‌کند که ابراهیم را پیش از اعطای عهد ختنه، پارسا اعلام نمود. پولس تعلیم نمی‌دهد که ختنه ذاتاً نشان‌دهنده پارسایی از راه ایمان است؛ بلکه تعلیم می‌دهد که نشانه ختنه، تأییدی بر پارسایی ابراهیم از راه ایمان بود. خداوند ختنه را به عنوان تأییدی بر جایگاه درست او در برابر خدا، که از قبل داشت، به ابراهیم اعطا کرد. منظور پولس این نیست که ختنه برای همه کسانی که آن را دریافت می‌کنند، چه مفهومی دارد، بلکه این است که خداوند با دادن ختنه به ابراهیم، چه چیزی را به او می‌گفت.

در پایان، این بخش در هیچ‌جا به غسل تعمیم اشاره نکرده و غسل تعمیم را به ختنه مرتبط نمی‌سازد. نه ادعا می‌کند و نه فرض می‌گیرد که غسل تعمیم و ختنه نماد یک واقعیت هستند و باید به یک شیوه اجرا شوند.

۴. نفی غسل تعمید کودکان (پدوبپتیسیم) به منزلهٔ اخراج کودکان از کلیسا است.

مدافعان غسل تعمید کودکان اظهار می‌دارند که خداوند فرزندان ایمانداران را در عهد قدیم در میان قوم خود گنجانده بود، بنابراین امتناع از غسل تعمید نوزادان به منزلهٔ اخراج کودکان از کلیسا است. اما این استدلال، ماهیت کلیسا و نحوهٔ تشکیل آن توسط خداوند را نادیده می‌گیرد. اگر خداوند کلیسای خود را با عملی کردن وعده‌های عهد جدید در زندگی افراد بنیان می‌گذارد، پس کودکان بی‌باور «در» کلیسا—یعنی در بدن جهانی مسیح، متشکل از کسانی که از طریق ایمان با او متحد شده‌اند—قرار ندارند، صرف‌نظر از اینکه ما آنها را غسل تعمید دهیم یا نهیم. حامیان غسل تعمید کودکان می‌گویند که مخالفان غسل تعمید نوزادان، کودکانی را که باید در کلیسا باشند، خارج می‌کنند، در حالی که خودشان کسانی را که هنوز خارج از کلیسا هستند، وارد آن می‌نمایند.

و البته، کودکان باید در حیات کلیسا مشارکت داشته باشند، به این مفهوم که در پرستش جمعی حضور یابند، از سوی کلیسا تعلیم ببینند و به تدریج تجربه‌های عمیق‌تری از همبستگی در کلیسا کسب کنند. باپتیست‌ها نیز به اندازهٔ مدافعان غسل تعمید کودکان بر این باورند که ما موظفیم فرزندان خود را «در تأدیب و اندرز خداوند» تربیت کنیم (افسیان ۶: ۴). تربیت و اندرز دیدن در خداوند، نیازمند مشارکت عمیق در حیات کلیسا است، به نحوی که با سن، بلوغ و وضعیت روحانی کودک متناسب باشد.

۵. نفی غسل تعمید کودکان، به انشقاق در یکپارچگی کتاب مقدس و نقشهٔ نجات پروردگار منجر می‌شود.

مدافعان غسل تعمید کودکان، به تأکید بر یکپارچگی و تداوم نقشهٔ نجات خداوند علاقهٔ وافری دارند. آنها تمایل دارند خطوط ارتباطی‌ای را برجسته سازند که کل کتاب مقدس را به این امر پیوند می‌دهد. و هر مسیحی باید به این موضوع «آمین» بگوید. یک خداوند وجود دارد. او یک

و اما درباره تعمید نوزادان؟

برنامه نجات دارد. او در حال گردآوری یک قوم از هر ملت و قومی است، کسانی که به واسطه یک قربانی عیسی مسیح نجات می‌یابند و تمامی وعده‌های خداوند را در او به ارث می‌برند.

اما هر مسیحی همچنین باید با ناپیوستگی‌ها در برنامه رستگاری خداوند کنار بیاید. ما دیگر در معبدی در اورشلیم قربانی نمی‌کنیم. دیگر طبق شریعت خداوند، ملزم به حفظ طهارت آیینی، پرهیز از غذاهای ممنوعه در شریعت موسی و غیره نیستیم. هر مسیحی باید توازن بین پیوستگی‌ها و ناپیوستگی‌ها را میان عهد قدیم و عهد جدید برقرار کند. اگر برخی مسیحیان اصرار داشتند که ایمانداران باید فرزندان خود را در اطاعت از شریعت موسی ختنه کنند، حامیان غسل تعمید کودکان چگونه پاسخ می‌دادند؟ آن‌ها نیز، همراه با پولس رسول، اصرار می‌ورزیدند که چنین ایماندارانی در حال بازگرداندن ساعت تاریخ رستگاری به عقب هستند و ناپیوستگی‌ها بین نحوه عملکرد خداوند در عهد قدیم و عهد جدید را نادیده می‌گیرند.

هر فردی هم پیوستگی و هم ناپیوستگی را میان عهد قدیم و عهد جدید مشاهده می‌کند. چالش اصلی، رسیدن به تعادل صحیح است. و من در این فصل استدلال کرده‌ام و همچنان استدلال می‌کنم که غسل تعمید دادن به نوزادان، تأکید بر پیوستگی در جایی است که خود عهد جدید بر ناپیوستگی اصرار دارد. غسل تعمید نوزادان، در واقع آوردن همان ساختاری از عهد قدیم به عهد جدید است که عهد جدید آن را از بین می‌برد.

به سادگی همخوان ندارد

نتیجه تمامی این موارد چیست؟ به سادگی، غسل تعمید نوزادان آن چیزی نیست که کتاب مقدس از غسل تعمید در نظر دارد. کتاب مقدس نه به کلیساها امر می‌کند و نه به‌طور ضمنی به آنها اجازه می‌دهد که نوزادان را غسل تعمید دهند. هر چند استدلال عهدگرایانه حامیان غسل تعمید کودکان موجه به نظر می‌رسد، اما با آنچه کلام خدا درباره غسل تعمید و عهد جدید تعلیم می‌دهد، همخوانی ندارد. غسل تعمید نوزادان، غسل تعمید نیست.

بنابراین، اگر شما در دوران نوزادی «غسل تعمید» یافته‌اید، امیدوارم از طریق کتاب مقدس

متوجه شده باشید که چرا آن «غسل تعمید»، اساساً غسل تعمید نبوده است. مسئله این نیست که غسل تعمید نوزادان دارای نقصی جزئی است، مانند اتومیلی با دینام معیوب که با این حال به راه خود ادامه می‌دهد. بلکه، غسل تعمید نوزادان به سادگی غسل تعمید نیست. کسانی که در نوزادی «غسل تعمید» یافته‌اند، در واقع غسل تعمید نگرفته‌اند، لذا هنوز به آن نیاز دارند.

با این وجود، برخی از کسانی که به این درک می‌رسند، همچنان برای غسل تعمید گرفتن تردید دارند، زیرا دریافت غسل تعمید را نوعی انتقاد از والدین خود می‌بینند—یا حداقل می‌ترسند که والدینشان چنین برداشتی داشته باشند. مسلماً ما باید به والدین خود احترام بگذاریم و هرگونه اختلاف الهیاتی با آنها را با نرمی و فروتنی بیان کنیم. اما تنها عیسی فرمانبرداری نهایی ما را طلب می‌کند. اگر عیسی غسل تعمید را به گونه‌ای متفاوت از والدین ما می‌فهمد، پس این عیسی است که باید از او اطاعت کنیم، نه از آنها (لوقا ۱۴: ۲۶).



فصل چهارم

دلایل لزوم غسل تعمید برای عضویت در کلیسا

ممکن است برخی از خوانندگان این کتاب، به این دلیل آن را مطالعه می‌کنند که قصد عضویت در کلیسایی را دارند و این امر مستلزم دریافت غسل تعمید است. اما چرا اصولاً کلیساها غسل تعمید را شرط عضویت می‌دانند؟ آیا این یک رویه واقعاً کتاب مقدسی است؟ آیا این اقدام موجب محرومیت برخی از مسیحیان حقیقی از عضویت نمی‌شود، چرا که همه مسیحیان در مورد آنچه که غسل تعمید تلقی می‌شود، توافق نظر ندارند؟ این فصل به تمامی این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد و استدلالی مبتنی بر کتاب مقدس برای لزوم غسل تعمید به منظور عضویت در کلیسا ارائه می‌نماید. لازم به توضیح است که منظور من از «غسل تعمید»، غسل تعمید یک ایماندار است، نه یک نوزاد. همان‌طور که در فصل پیشین دیدیم، «غسل تعمید» نوزادان به سادگی غسل تعمید نیست. این فصل همچنین خطاب به رهبران کلیسا است، یعنی کسانی که مستقیم‌ترین تأثیر را بر تصمیم‌گیری در مورد لزوم غسل تعمید برای عضویت در کلیسایشان دارند. هدف من این است که شما را متقاعد کنم که این شرط را اعمال کنید. من استدلال خود را در هفت مرحله بیان کرده و سپس به قوی‌ترین اعتراض ممکن پاسخ خواهم داد.^۷

پاسخ به ایرادات مطرح‌شده

هیچ متن صریحی وجود ندارد که به صورت مستقیم و قطعی به این مسئله بپردازد. از این رو، برای درک علت لزوم غسل تعمید برای عضویت در کلیسا، لازم است اطلاعات کتاب مقدسی

بسیاری را ارزیابی و در کنار یکدیگر قرار دهیم. این فصل در برخی قسمت‌ها تا حدی فنی خواهد بود، اما استدلال ارائه شده در آن صرفاً به بسط و تشریح تعریفی از غسل تعمید می‌پردازد که در فصل اول مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین، در ادامه هفت عاملی مطرح می‌شود که در مجموع، نشان می‌دهند کتاب مقدس غسل تعمید را به عنوان یک شرط برای عضویت در کلیسا تعیین کرده است.

۰۱. غسل تعمید، عرصه‌ای برای آشکارسازی عمومی ایمان است.

تعریفی از غسل تعمید را که در فصل اول ارائه کردیم، به یاد بیاورید: تعمید اقدام از جانب کلیسا برای تأیید و نمایش اتحاد فرد ایماندار با مسیح از طریق فرو بردن او در آب است، و همچنین اقدام ایماندار برای تعهد علنی به مسیح و قوم او، که از این طریق ایماندار را به کلیسا ملحق کرده و او را از دنیا جدا می‌سازد.

به بیان دیگر، غسل تعمید عرصه‌ای است که ایمان در آن به صورت عمومی آشکار می‌گردد. حیات مسیحی، حیاتی است که در آن شاهد علنی برای مسیح هستیم (متی ۱۰: ۳۲-۳۳)، و این شهادت با غسل تعمید آغاز می‌شود. در روز پنطیکاست، کسانی که با موعظه پطرس متقاعد شدند، از میان جمعیت قدم پیش گذاشتند و با تسلیم شدن به غسل تعمید، وفاداری خود را به مسیح به عنوان خداوند و نجات‌دهنده اعلام کردند (اعمال ۲: ۳۸-۴۱). در غسل تعمید، ما هویت مسیحی خود را به صورت عمومی ابراز می‌نماییم. ما به صورت علنی با مسیح مصلوب و قیام کرده و با قوم او اعلام همبستگی می‌کنیم.

همان‌طور که مشاهده کردیم، عیسی به شاگردان خود فرمان داد که با موعظه انجیل، غسل تعمید دادن و آموزش اطاعت از تمام دستورات او، شاگرد بسازند (متی ۲۸: ۱۹). بنابراین، جای شگفتی نیست که در روز پنطیکاست، پطرس به شنوندگانش دستور داد: «توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آموزش گناهانتان غسل تعمید بگیرید» (اعمال ۲: ۳۸). اگر مدعی پیروی از مسیح هستید، این اولین فرمان اوست که باید از آن اطاعت کنید. پس از اعتماد به مسیح، غسل

دلایل لزوم غسل تعمید برای عضویت در کلیسا

تعمید اولین عملی است که ایمان به انجام می‌رساند. اگر غسل تعمید نگرفته‌اید، هنوز اولین مورد از فهرست کارهای شاگردی عیسی را انجام نداده‌اید.

چرا غسل تعمید برای عضویت در کلیسا لازم است؟ به این دلیل که غسل تعمید، عرصه‌ای برای آشکارسازی عمومی ایمان است. اینجا مکانی است که ایمان نامرئی برای نخستین بار قابل مشاهده می‌شود. و این شیوه‌ای است که یک مسیحی جدید در حوزه دید کلیسا و جهان قرار می‌گیرد. و در واقع اینکار، بذری است که دلایل بعدی از آن نشأت می‌گیرند.

۲. غسل تعمید، نشان از پیمان آغازین عهد جدید است.

از آنجا که غسل تعمید، شیوه‌ای است که یک ایماندار از طریق آن خود را به مسیح و قومش متعهد می‌سازد، غسل تعمید نشان-پیمان آغازین عهد جدید نیز محسوب می‌شود. این عملی است که به صورت علنی، وعده اعتماد به مسیح و زندگی بر اساس عهد جدید را به اجرا می‌گذارد.

همان‌طور که در فصل پیشین به آن پرداختیم، عیسی از طریق مرگ خود، عهد جدید موعود را برقرار نمود (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۳؛ لوقا ۲۲: ۱۹-۲۰؛ عبرانیان ۸: ۱-۱۳). تمام عهدها با سوگند— وعده رسمی و الزام‌آور— تأیید می‌گردند. اما سوگند تنها امری گفتاری نیست؛ بلکه می‌تواند به صورت عملی نیز انجام شود. زمانی که خداوند با ابراهیم عهد بست، از میان قطعات حیوانات قربانی شده عبور کرد (پیدایش ۱۵: ۱-۲۱). این نشان-پیمان، وعده خداوند به ابراهیم را تأیید کرد و نشانگر آن بود که اگر خداوند به عهد خود وفادار نماند، خود او مجازات را متحمل خواهد شد. در مرگ عیسی، خداوندی پسر، مجازات را به دوش کشید— نه به دلیل بی‌وفایی خود، بلکه به خاطر بی‌وفایی ما. عهد جدید زمانی تأیید شد که خود عیسی، بهای نهایی گناهان ما را پرداخت کرد (عبرانیان ۹: ۱۵).

عهد قدیم دارای ختنه بود، نشان-پیمان که ورود یک فرد به عهد را تأیید می‌کرد. به همین ترتیب، عهد جدید نیز با نشان-پیمان— در واقع دو نشان— همراه است. اولین آن‌ها، غسل تعمید، نشان -

پیمان آغازین آن است. این یک پیمان نمادین و رسمی است که ورود فرد به عهد جدید را تأیید می‌نماید. در غسل تعمید، ما از خداوند می‌خواهیم که ما را بر اساس شرایط عهد جدید خود بپذیرد (اول پطرس ۳: ۲۱)، و به خود متعهد می‌شویم که، به یاری فیض، تمامی آنچه را که عهد جدید از ما مطالبه می‌کند، به انجام رسانیم (متی ۲۸: ۱۹). در غسل تعمید، ما خداوند را به عنوان خدای خود تصدیق می‌کنیم و او ما را به عنوان قوم خود می‌پذیرد. در غسل تعمید، ما پیمان «آیا این عیسی را به عنوان خداوند و نجات‌دهنده خود می‌پذیری؟» را ادا کرده و پاسخ می‌دهیم: «می‌پذیرم.»

بنابراین، وقتی کلیسا می‌پرسد: «چه کسی به عهد جدید تعلق دارد؟» بخشی از پاسخ این است، که «چه کسی پیمان را ادا کرده است؟» یعنی، چه کسی غسل تعمید گرفته است؟ درست مانند سرباز که تا زمانی که به کشور خود سوگند وفاداری نخورده، نمی‌تواند اسلحه به دست گیرد، شما نیز تا زمانی که پیمان عهد را ادا نکرده‌اید، نمی‌توانید وارد هم‌زیستی عهد جدید شوید. کلیسا محلی است که عهد جدید در زمین متجلی می‌شود، و غسل تعمید شیوه‌ای است که یک فرد به عنوان عضو عهد جدید شناخته می‌شود. غسل تعمید برای عضویت در کلیسا ضروری است، زیرا غسل تعمید نشان-پیمان آغازین عهد جدید است.

۳. غسل تعمید، حکم گذرنامه پادشاهی و آیین رسمی پذیرش شهروند آن است.

ثالثاً، غسل تعمید، حکم گذرنامه پادشاهی و آیین رسمی سوگند شهروند آن است. همان‌طور که در فصل اول مشاهده کردیم، هنگامی که عیسی پادشاهی آسمان را بر زمین برقرار نمود، کلیسا را به عنوان سفارتخانه از آن پادشاهی تأسیس کرد. او «کلیدهای پادشاهی» را به کلیسا اعطا نمود تا با تأیید اعترافات کسانی که با ایمان به او اقرار می‌کنند، شهروندان آن را به جهان معرفی کند (متی ۱۶: ۱۹؛ ۱۸: ۱۸-۱۹). اولین و آغازین‌ترین ابزاری که کلیسا به واسطه آن افراد را به عنوان شهروندان پادشاهی شناسایی می‌کند، غسل تعمید است (متی ۲۸: ۱۹). غسل تعمید،

دلایل لزوم غسل تعمید برای عضویت در کلیسا

شیوه‌ای است که کلیسا با آن اعلام می‌دارد، «این شخص به عیسی تعلق دارد.»

غسل تعمید، گذرنامه پادشاهی است. ما از طریق ایمان به پادشاه، شهروند پادشاهی می‌شویم، اما در غسل تعمید، کلیسا شهروندی ما را به رسمیت می‌شناسد و تأیید می‌کند. و غسل تعمید، این امکان را برای سایر سفارتخانه‌های پادشاهی یعنی سایر کلیساهای محلی فراهم می‌آورد تا ما را به عنوان شهروندان پادشاهی بشناسند.

از دیدگاهی دیگر، غسل تعمید، مراسم سوگند شهروند پادشاهی است. این شیوه‌ای است که ما به صورت رسمی، وظیفه جدید نمایندگی مسیح و پادشاهی او را بر روی زمین بر عهده می‌گیریم. بنابراین، برای اینکه یک کلیسا فردی را به عنوان شهروند پادشاهی به رسمیت بشناسد، آن شهروند باید گذرنامه خود را ارائه نماید. غسل تعمید برای عضویت در کلیسا ضروری است، زیرا حکم گذرنامه پادشاهی و آیین رسمی سوگند یک شهروند پادشاهی را دارد.

۴. غسل تعمید، معیاری لازم است که کلیسا از طریق آن، مسیحی بودن افراد را شناسایی می‌کند.

چهارمین دلیل برای لزوم غسل تعمید جهت عضویت در کلیسا، برآیندی از سه نکته قبلی ما است. از آنجا که غسل تعمید شیوه‌ای است که کلیسا به صورت عمومی فردی را به عنوان مسیحی شناسایی می‌کند، پس معیاری لازم نیز برای کلیسا است تا مسیحی بودن یک فرد را تشخیص دهد. شناسایی به منظور تشخیص است. تیم کاردینالز لوئیزویل پیراهن قرمز می‌پوشند تا در زمین، به هنگام درهم شکستن تیم وایلدکس کنتاکی با پیراهن آبی، بتوانند یکدیگر را بازشناسند. و غسل تعمید، پیراهن تیمی مسیحیت است.

بنابراین، غسل تعمید معیار لازم، هرچند ناکافی، است که کلیسا باید به وسیله آن مسیحیان را شناسایی کند. اینکه فردی ادعای مسیحی بودن داشته باشد، یا همه اعضای کلیسا او را مسیحی بدانند، کافی نیست؛ عیسی داوری کلیسا را به غسل تعمید مرتبط کرده است. عیسی غسل تعمید را تا حدی به ما داد تا بتوانیم خود را از دنیا متمایز سازیم. غسل تعمید با شناسایی عمومی افراد به

عنوان مسیحی، خطی بین کلیسا و دنیا ترسیم می‌کند. غسل تعمید، مسیحیان را به عنوان مسیحی نشانده‌گذاری می‌کند. که این به معنای لزوم غسل تعمید برای عضویت در کلیسا است. کلیسا به سادگی مجاز نیست فردی را به عنوان عضو تیم عیسی به رسمیت بشناسد، مگر اینکه آن شخص پیراهن تیم را به تن کند.

۵. غسل تعمید، نشانی کارا (موثر) برای عضویت در کلیسا است.

پنجم، غسل تعمید، نشان کارا (موثر) عضویت در کلیسا است. این نیز استنباطی از سه نکته نخست ما است. اگر غسل تعمید عرصه‌ای برای آشکارسازی عمومی ایمان، نشان پیمان آغازین عهد جدید، حکم گذرنامه پادشاهی و آیین رسمی سوگند شهروند پادشاهی باشد، پس غسل تعمید یک نشان کارا برای عضویت در کلیسا است. این عمل، واقعیت کلیسایی را که بدان اشاره دارد، ایجاد می‌نماید: تعلق مسیحی به کلیسای محلی، و تأیید اعتراف ایمانی شخص مسیحی توسط آن کلیسای محلی و ملحق ساختن او به خود.

اگر عضویت را به یک خانه تشبیه کنیم، غسل تعمید در ورودی آن است. با عبور از در ورودی، وارد خانه می‌شوید. بنابراین، به طور معمول، غسل تعمید تنها پیش‌درآمدی برای عضویت در کلیسا نیست؛ بلکه عضویت در کلیسا را اعطا می‌کند. غسل تعمید، آغازگر عضویت در کلیسا است. برای فرد تازه مسیحی، غسل تعمید راه عهد جدید برای پیوستن به کلیسای محلی است. از آنجا که غسل تعمید نشان کارایی برای عضویت در کلیسا است، برای عضویت در کلیسا ضروری است.

۶. عشای ربانی، دیگر نشانه مؤثر عضویت در کلیسا است.

در نکته دوم، مشاهده کردیم که عهد جدید با دو نشان همراه است. اولی، غسل تعمید، نشان-پیمان آغازین آن است. دومی، عشای ربانی است که نشان-پیمان تجدیدی آن است. هنگامی که به صورت جمعی از نان و جام می‌نوشیم، خود را مجدداً به مسیح و عهد جدید او متعهد می‌سازیم. با این حال، این عملی نیست که به صورت فردی انجام می‌دهیم، بلکه به عنوان یک کلیسا انجام

دلایل لزوم غسل تعمید برای عضویت در کلیسا

می‌گیرد (اول قرتیان ۱۱: ۱۷-۱۸، ۲۰، ۳۳-۳۴). و شرکت در عشاء ربانی، مسئولیت‌هایی را برای کلیسا در پی دارد. خوردن و نوشیدن به نحوی که به بدن بی‌احترامی شود، عشاء ربانی را بی ارزش ساخته و داوری خداوند را به دنبال دارد (اول قرتیان ۱۱: ۲۷، ۲۹). بنابراین، همان‌طور که در عشاء ربانی به مسیح متعهد می‌شویم، به یکدیگر نیز متعهد می‌گردیم. در همان عملی که مجدداً عیسی را به عنوان نجات‌دهنده خود تصدیق می‌کنیم، یکدیگر را نیز به عنوان خواهران و برادران خود می‌پذیریم.

این بدان معناست که عشاء ربانی، نشان کارا (مؤثر) دیگری برای عضویت در کلیسا است. همان‌طور که پولس می‌فرماید: «از آنجا که نان یکی است، ما نیز که بسیاریم، یک بدن هستیم، زیرا همه از یک نان بهره می‌یابیم» (اول قرتیان ۱۰: ۱۷). عشاء ربانی تنها نمایانگر اتحاد ما نیست، بلکه آن را تأیید و تثبیت می‌کند. از آنجا که این عمل، همبستگی ما را با یکدیگر برقرار می‌سازد، عشاء ربانی بسیاری را واحد می‌سازد. به همین دلیل است که عضویت در کلیسا در درجه اول به معنای قرار گرفتن بر سر سفره عشاء ربانی است، و انضباط کلیسایی نیز در درجه اول به معنای محرومیت از آن سفره است.

غسل تعمید برای عضویت در کلیسا لازم است، زیرا نمی‌توان در نشان-پیمان تجدیدی عهد شرکت کرد، مگر پس از اجرای نشان-پیمان آغازین آن. نمی‌توان در ضیافت خانوادگی عشاء ربانی مشارکت داشت، مگر اینکه از در ورودی غسل تعمید وارد خانه شده باشید.

۷. بدون غسل تعمید، عضویت فاقد وجود است.

حاصل تمام این موارد چیست؟ به سادگی، ما نمی‌توانیم غسل تعمید را از الزامات عضویت در کلیسا حذف کنیم، زیرا بدون غسل تعمید، عضویت عملاً فاقد وجود است. «عضویت» اصطلاحی الهیاتی برای رابطه‌ای است که میان فرد مسیحی و کلیسا برقرار می‌شود و مناسک، آن را منعکس کرده و به طور معمول به وجود می‌آورند. رابطه عضویت در کلیسا در عهد جدید آشکار است، به طوری که برخی افراد «درون» کلیسا و برخی دیگر «بیرون» آن هستند (اول قرتیان ۵: ۱۲).

غسل تعمید و عشاى ربانى، رابطه عهدهى عضویت در کلیسا را تأیید می‌کنند. بنابراین، چیزی به نام عضویت بدون غسل تعمید فاقد موجودیت است. سخن گفتن از عضویت بدون غسل تعمید، همانند سخن گفتن از ازدواجی بدون پیمان است. ازدواج در واقع رابطه عهدهى است که با پیمان‌ها تشکیل می‌شود؛ عضویت نیز رابطه عهدهى است که با نشان-پیمان‌های غسل تعمید و عشاى ربانى تشکیل می‌گردد. نمی‌توان رابطه را بدون پیمانی که آن را تشکیل می‌دهد، داشت. بنابراین، نمی‌توان عضویتی را بدون غسل تعمید داشت.

این واقعیت که مناسک، نشان‌های کارای عضویت در کلیسا هستند، به ما یادآور می‌شود که درک خود از عضویت در کلیسا و این مناسک را به صورت منسجم به هم مرتبط نگه داریم. هنگامی که مفهوم ما از عضویت در کلیسا به طور منسجم با مناسک ادغام نشده باشد، ایده‌های ما در مورد عضویت در کلیسا غیر کتاب مقدسی شده است. در کلام خدا، عضویت در کلیسا رابطه‌ای را توصیف می‌کند که مناسک آن را ایجاد می‌کنند.

اما آیا این کار مسیحیان واقعی را از

عضویت محروم نمی‌کند؟

این امر بدین معناست که کلیساها باید از تمامی کسانی که مایل به عضویت در آنها هستند، بخواهند که غسل تعمید بگیرند—یعنی به عنوان یک ایماندار غسل تعمید بگیرند. اما آیا این امر به معنای آن نیست که برخی از مسیحیان حقیقی از عضویت محروم خواهند گردید، به ویژه کسانی که «غسل تعمید» نوزادی خود را غسل تعمید کتاب مقدسی می‌دانند؟

بسیاری از مسیحیان این موضوع را بدیهی می‌پندارند که یک کلیسا هرگز نباید فردی را که از مسیحی بودن او مطمئن است، از عضویت محروم کند. و من معتقدم که این دیدگاه تقریباً کاملاً صحیح است. اما مسئله اینجاست که غسل تعمید در دست‌بندی «چگونگی شناسایی مسیحی بودن یک فرد توسط کلیسا» قرار می‌گیرد. غسل تعمید شرط مجزا برای عضویت در کلیسا، علاوه

دلایل لزوم غسل تعمید برای عضویت در کلیسا

بر اقرار معتبر به ایمان، نیست؛ بلکه روشی است که یک فرد ایمان خود را به صورت عمومی ابراز می‌نماید.

از این رو، غسل تعمید عاملی لازم، اما ناکافی است که کلیسا از طریق آن مسیحی بودن یک فرد را شناسایی می‌کند. ممکن است تمامی اعضای یک کلیسا متقاعد باشند که فردی غسل تعمید نیافته، مسیحی است، اما عیسی داوری کلیسا—و تأیید رسمی و عمومی عضویت—را به غسل تعمید مرتبط ساخته است. عیسی به کلیسا هیچ اختیاری برای تأیید ایمان یک فرد نداده است، مگر اینکه آن ایمان به صورت عمومی در غسل تعمید اقرار شود.

به دلیل تمامی کارکردها و ماهیت غسل تعمید، کلیسا به سادگی مجاز به بسط رابطه عضویت به کسانی که نشان مؤثر آن را انجام نداده‌اند، نیست. کلیسا نمی‌تواند فردی را که نشان-ایمان آغازین عهد جدید را انجام نداده است، به نشان-ایمان تجدیدی آن ببذیرد. انجام چنین کاری به معنای انحراف از ابزار تعیین‌شده خود عیسی برای متمایز ساختن قومش از دنیا و پیوند دادن آن‌ها با یکدیگر است. غسل تعمید، مرز بین کلیسا و دنیا را ترسیم می‌کند. ما مجاز نیستیم که این مرز را در جای دیگری ترسیم کنیم.

تصور کنید که برای سوار شدن به هواپیما مراجعه می‌کنید، اما به جای همراه داشتن کارت پرواز تا دروازه، آن را در ایستگاه بازرسی امنیتی جا می‌گذارید. هنگامی که مأمور امنیتی کارت پرواز شما را مطالبه می‌کند، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ اگر به او بگویید که قبلاً کارت پرواز داشته‌اید اما آن را تحویل داده‌اید، این استدلال پذیرفته نخواهد شد. مأمور دروازه برای صدور مجوز ورود شما به هواپیما، باید کارت را مشاهده کند. اصلاً مجاز نیست که به غیر از این، شما را ببذیرد. کارت پرواز، عاملی است که شما را به عنوان مسافر آن پرواز شناسایی می‌کند؛ غسل تعمید نیز عاملی است که شما را به عنوان یک مسیحی، و در نتیجه فردی شایسته برای پیوستن به کلیسا، شناسایی می‌نماید.

همان‌طور که جان دگ، مفسر برجسته قرن نوزدهم، بیان کرده است: «چنانچه که اقرار به

ایمان برای عضویت در کلیسا لازم است، غسل تعمید نیز که آیین مقرر برای این اقرار است، لازم است. اقرار، جوهر و غسل تعمید، صورت است؛ اما فرمان مسیح هم جوهر و هم صورت را مطالبه می‌کند.^۸

مدافعان غسل تعمید کودکان از عضویت محروم می‌شوند، نه به دلیل فقدان جوهر یک اقرار معتبر، بلکه به دلیل فقدان صورت آن. اینکه شما فکر می‌کنید غسل تعمید یافته‌اید، حتی بر اساس تفسیری پیچیده و گسترده از کتاب مقدس، به این معنا نیست که واقعاً غسل تعمید گرفته‌اید. و کلیسا نیز به همان اندازه که مأمور گیت مجاز به پذیرش فردی بدون کارت پرواز در هواپیما نیست، مجاز به پذیرش فرد غسل تعمید نیافته به عضویت نیست.

محروم ساختن یک مسیحی واقعی متعهد و پارسا از عضویت، امری نگران‌کننده است. اما بازنگری در نقشی که مسیح برای غسل تعمید مقرر نموده، اختیاری تلقی کردن یکی از دستورات او، و تضعیف اقتدارش در کلیسا باید نگران‌کننده‌تر باشد. اجازه دادن به شخص مسیحی — هر چند در اشتباه خود صادق باشد — برای ادامه نافرمانی از مسیح، و افزودن تأیید کلیسا به آن نافرمانی باید نگران‌کننده‌تر باشد. اجازه به خصوصی‌سازی اقرار علنی به انجیل باید نگران‌کننده‌تر باشد. تلاش برای گردآوری کلیسا با نادیده گرفتن همان فریضه‌ای که عیسی برای این منظور تعیین نموده، باید نگران‌کننده‌تر باشد.

ترسیم خطوط

عیسی غسل تعمید را، تا حدی، به منظور متمایز ساختن قوم خود از دنیا مقرر نمود. غسل تعمید و عشای ربانی، با شناسایی عمومی قوم مسیح، انجیل را به تصویر می‌کشند، ترویج می‌دهند و پاس می‌دارند.

غسل تعمید، مرگ ما نسبت به گناه و رستخیز ما به زندگی نو در مسیح را به نمایش می‌گذارد. این عمل، تعهد ما به مسیح و قوم او را تأیید می‌کند. غسل تعمید، مرزی میان کلیسا و دنیا ترسیم کرده و این دعوت را صادر می‌نماید: «ای دنیا، بنگر و ببین که مردمان انجیل چگونه اند!»

دلایل لزوم غسل تعمید برای عضویت در کلیسا

و از آنجا که غسل تعمید خطی بین کلیسا و دنیا می‌کشد، و این خط را در اطراف نیز کلیسا می‌کشد. غسل تعمید فرد را به بسیاری گره می‌زند. این عمل ایماندار را به جامعه عمومی قوم خدا بر روی زمین می‌افزاید. بنابراین، غسل تعمید نشانه مؤثر عضویت در کلیسا است. غسل تعمید تنها راه ورود به کلیسا را نشان نمی‌دهد؛ بلکه خود غسل تعمید، در ورودی است. معمولاً غسل تعمید، عضویت در کلیسا را اعطا می‌کند.

به تمامی این دلایل، غسل تعمید برای عضویت در کلیسا لازم است. شاید شما به پیوستن به کلیسای علاقه‌مند هستید، اما شرط اولیه غسل تعمید برای شما دلسردکننده بوده است. در این صورت، امیدوارم اکنون دریافته باشید که عیسی نه تنها از شما می‌خواهد که غسل تعمید بگیرید، بلکه از کلیسای خود نیز می‌خواهد که این شرط را برای شما مقرر کند. و اگر شما از رهبران کلیسا هستید، امیدوارم دریافته باشید که کلیسای شما باید از کسانی که مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود معرفی می‌کنند، بخواهد که غسل تعمید بگیرند—دقیقاً همان‌طور که عیسی این امر را لازم می‌داند.



فصل پنجم

چه زمانی «غسل تعمید»، غسل تعمید محسوب نمی‌شود؟

دختر کوچکم به شکلی دوست‌داشتنی، شیفته دایناسورهاست. اغلب اولین جمله‌ای که صبح‌ها می‌گوید این است: «می‌خواهی با من دایناسوربازی کنی؟» شب‌ها گاهی تریسراتوپس پلاستیکی بزرگ را به تخت خوابش می‌آورد و بالای تختش، پوستری پر از عکس و اسم دایناسورها آویزان است. او فقط دو سال و نیم دارد، اما می‌تواند ده‌ها گونه را تشخیص دهد و آن‌ها را از روی تاج‌ها، صفحات یا دم‌هایشان از هم تمیز دهد. اگر از او بپرسید: «این براکیوسوروس است؟» ممکن است جواب دهد: «نه، اون آپاتوسوروسه! براکیوسوروس گردنش بلندتره.»

برای اینکه بگویید چیزی چیست، باید بتوانید بگویید که چه چیزی نیست. سه فصل گذشته عمدتاً بر روی اینکه غسل تعمید چیست، تمرکز داشتند؛ حالا به اینکه چه چیزی نیست، می‌پردازیم. دلیل این کار دو چیز است. اول اینکه، با توجه به تعریفی که از غسل تعمید ارائه کردیم، ممکن است برخی از خوانندگانی که فکر می‌کنند غسل تعمید گرفته‌اند، اکنون در این باره شک داشته باشند. دوم، رهبران کلیسا به ویژه اغلب باید قضاوت کنند که آیا «غسل تعمید» یک عضو احتمالی، واقعاً غسل تعمید بوده است یا خیر. بنابراین، ما به بررسی چهار مورد از رایج‌ترین سناریوهایی می‌پردازیم که در آن‌ها «غسل تعمید»، در واقع غسل تعمید نیست.

اگر در دوران نوزادی «غسل تعمید» گرفته‌اید

همان‌طور که در فصل پیشین مشاهده کردیم، «غسل تعمید» کودکی در واقع غسل تعمید محسوب نمی‌شود. صرف‌نظر از نیت خیرخواهانه مسیحیانی که غسل تعمید نوزاد را انجام می‌دهند، و با

وجود توجیحات کتاب مقدسی پیچیده آن‌ها، کلام خدا به ما اجازه نمی‌دهد که فرزندان خردسال ایمانداران را غسل تعمید دهیم. غسل تعمید نشانه‌ای است که انجیل در زندگی فردی تأثیرگذار بوده و آن شخص با مسیح متحد گشته است. غسل تعمید به وعده محقق شده اشاره دارد.

بنابراین، اگر در دوران کودکی «غسل تعمید» یافته‌اید، همچنان نیاز است که برای اولین بار غسل تعمید بگیرید. با وجود نیت شرافتمندانه کلیسایی که شما را «غسل تعمید» داد، شما در همان موقعیتی قرار دارید که هر فرد دیگری که به مسیح ایمان آورده و هنوز غسل تعمید نگرفته است.

اگر به عنوان یک «ایماندار» غسل تعمید گرفتید اما ایماندار نبودید

بنابراین، اگر در دوران کودکی «غسل تعمید» یافته‌اید، همچنان نیاز است که برای اولین بار غسل تعمید بگیرید. با وجود نیت شرافتمندانه کلیسایی که شما را «غسل تعمید» داد، شما در همان موقعیتی قرار دارید که هر فرد دیگری که به مسیح ایمان آورده و هنوز غسل تعمید نگرفته است.

برخی افراد خودشان تصمیم به غسل تعمید می‌گیرند و این عمل را به عنوان اظهار ایمان به مسیح در نظر می‌گیرند، اما بعدها متوجه می‌شوند که در زمان غسل تعمید، اصلاً مسیحی نبوده‌اند. لحظه سناریوی زیر را در نظر بگیرید:

«در سن ۱۳ سالگی غسل تعمید یافتم، بیش از آنکه واقعاً با خداوند ارتباط داشته باشم. این اتفاق در بی تدریس این موضوع در کلاس کتاب مقدس نوجوانان رخ داد که پس از آن از ما پرسیده شد آیا مایل به غسل تعمید هستیم یا خیر، و از آنجایی که اکثریت کلاس تصمیم به انجام این کار داشتند، من نیز چنین کردم. به خاطر دارم که در آن زمان آنقدر خجالت می‌کشیدم که حتی به دوستان مدرسه‌ام درباره آن چیزی نگفتم، چه رسد به اینکه از آن‌ها دعوت به عمل آورم.

خداوند در سن ۲۰ سالگی به طور حقیقی در زندگی من عمل کرد، و آن زمان بود که می‌توانم بگویم او واقعاً چشمانم را به روی معنای حقیقی پیروی از عیسی گشود. در

چه زمانی «غسل تعمید»، غسل تعمید محسوب نمی‌شود؟

شرایط ایده‌آل، در همان زمان می‌بایست غسل تعمید می‌یافتم، اما بدیهی است که قبلاً این کار را کرده بودم. علاقه‌مندم دیدگاه شما را درباره غسل تعمید مجدد و لزوم آن بدانم.»^۱

بنابراین، این فرد— برای سهولت، فرض می‌کنیم که مرد است— بر این باور است که در زمان غسل تعمید خود، مسیحی نبوده است. این اتفاق «پیش از آنکه واقعاً با خداوند ارتباط داشته باشد» رخ داده است. انگیزه وی برای غسل تعمید، هم‌رنگ شدن با جماعت بوده است: «اکثریت کلاس این کار را انجام می‌دادند.» او به جای تلقی غسل تعمید به عنوان فرصتی برای پیمان علنی با مسیح در برابر همگان، تلاش کرده است تا آن را به صورت کاملاً محرمانه نگه دارد و حتی به دوستان مدرسه‌اش نیز چیزی نگوید. و بر اساس آنچه روایتش نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد که او چندین سال بعد به درک حقیقی از شاگردی عیسی رسیده و به واقع به عیسی اعتماد کرده است.

پس، آیا این فرد باید برای بار دوم غسل تعمید بگیرد؟ خیر، مسلماً نه. او باید غسل تعمید بگیرد و آن‌هم برای اولین بار. وقتی غسل تعمید گرفتید، غسل تعمید گرفته‌اید. اما اگر در زمان «غسل تعمید» خود شما مسیحی نبوده‌اید اگر، تا جایی که می‌دانید، «غسل تعمید» شما اعتراف واقعی به ایمان به مسیح و پیمان صمیمانه برای تسلیم به مسیح نبوده— پس «غسل تعمید» شما، غسل تعمید نبوده است. اگر این وضعیت شما را توصیف می‌کند، شما باید غسل تعمید بگیرید.

اما سناریوی دیگری نیز وجود دارد که باید به آن بپردازیم. داستان این زن جوان (تخیلی، اما بسیار رایج) را در نظر بگیرید:

«من در خانواده‌ای مسیحی رشد کردم. والدینم انجیل را به من تعلیم دادند، و زمانی که شش ساله بودم، با پدرم دعا کردم تا مسیح را بپذیرم. به یاد دارم که نسبت به گناهانم غمگین بودم و می‌دانستم که عیسی بر روی صلیب مرد تا مرا نجات دهد. چند ماه بعد غسل تعمید یافتم. از آن زمان به بعد، همواره خود را مسیحی می‌دانستم و می‌فهمیدم که این به معنای اعتماد به عیسی و زندگی بر اساس کلام اوست.

اما در سال‌های نوجوانی‌ام، وارد دوره‌ای از تردید شدم. شروع به پرسیدن سؤالاتی در

مورد حقیقت کتاب مقدس کردم، و آنچه می‌گفت را همیشه دوست نداشتم. وقتی دعا می‌کردم، همیشه احساس نمی‌کردم که خدا حضور دارد. شورش عظیمی نکردم، اما گاهی اوقات زندگی‌ام بیشتر شبیه دوستان غیر مسیحی‌ام بود تا آنچه که یک مسیحی باید زندگی کند. گاهی اوقات در امتحانات مدرسه تقلب می‌کردم، و چند بار به والدینم در مورد اینکه شب‌ها کجا می‌روم دروغ‌گفتم تا متوجه نشوند که با دوستانم برای نوشیدن مشروب بیرون هستم.

اکنون بیست ساله هستم و واقعاً مطمئن نیستم که چه زمانی مسیحی شدم. در چند سال اخیر احساس می‌کنم که ایمانم واقعاً احیا شده و رشد روحانی‌ام بیشتر از ده سال قبل از آن بوده است. از آنجایی که واقعاً نمی‌دانم آیا در زمان غسل تعمید مسیحی بوده‌ام یا خیر، آیا نباید اکنون غسل تعمید بگیرم، فقط برای اطمینان؟»

این وضعیت بسیار پیچیده‌تر است. از یک طرف، این زن جوان در پاسخ به شنیدن و ظاهراً باور کردن انجیل غسل تعمید گرفت. و به نظر می‌رسد که در اوایل زندگی‌اش، ثمرات روحانی وجود داشته است. اما با آن سال‌های نوجوانی چه کنیم؟ او دست از مسیحی خواندن خود نکشید، اما آیا واقعاً مثل یک مسیحی زندگی می‌کرد؟ و حالا که بالغ‌تر شده، با توجه به سابقه پرفراز و نشیبش، به سختی می‌تواند باور کند که دوران جوانی‌اش واقعاً به مسیح اعتماد داشته است. پس باید چه کار کند؟

من معتقدم فردی که قبلاً به عنوان اعتراف به ایمان به مسیح غسل تعمید گرفته، تنها زمانی باید «دوباره غسل تعمید» شود که به شدت متقاعد باشد که در آن زمان مسیحی نبوده است. در نهایت، این قضایای است که فرد باید با کمک رهبران کلیسای پرهیزگار، خودش انجام دهد. غسل تعمید قرار است یک بار انجام شود و نباید به دلیل صرفاً شک و تردید تکرار گردد. در این مورد، به نظر می‌رسد این زن جوان در سنین پایین، انجیل را به راستی فهمیده و پذیرفته است. حتی در آن سال‌های نوجوانی پرفراز و نشیب، او هرگز خود را به یک سبک زندگی با گناهان توبه‌نکرده تسلیم نکرد و هرگز ایمانش به مسیح را انکار نمود. در نگاه به گذشته، بسیار

چه زمانی «غسل تعمید»، غسل تعمید محسوب نمی‌شود؟

آسان است که ایمان کودکانه را با بی‌ایمانی کامل اشتباه بگیریم و معیار بالغانه ثمرات روحانی را بر یک کودک یا حتی یک نوجوان تحمیل کنیم. اگر در مقطعی ایمانش را انکار کرده بود یا خود را در گناهان جدی، علنی و توبه‌نکرده غرق ساخته بود، بحث دیگری بود. در وضعیت فعلی، به نظر ما احتمالاً باید اعتراف قبلی‌اش را صادقانه در نظر بگیرد؛ اما باز هم، این قضاوتی است که خودش باید انجام دهد. به اعتقاد من، او تنها در صورتی باید به دنبال غسل تعمید باشد—و کلیسا هم باید او را غسل تعمید دهد—که کاملاً مطمئن باشد در زمان غسل تعمیدش مسیحی نبوده است.

چنانچه کلیسای انجیل را انکار می‌کند اما شما

را تعمید داده است

غسل تعمید نمادی از انجیل است. این عمل، دریافت خبر خوش و آزادی شخص گناهکار توسط عیسی مسیح را به شکلی چشمگیر به تصویر می‌کشد. غسل تعمید گرفتن به معنای هم‌ذات شدن با عیسی و کار نجات‌بخش اوست. بنابراین، غسل تعمید به انجیل وابسته است؛ انجیل نباشد، غسل تعمیدی هم در کار نیست.

اگر هر مسیحی تنها به واسطه مسیحی بودنش مجاز به غسل تعمید دادن بود، کلیسا در این معادله نقشی نداشت. اما از آنجایی که عیسی به کلیسا اختیار داده است تا از طرف آسمان، اعلامیه‌های رسمی در زمین داشته باشد، پس در شرایط عادی، تنها کلیساست که مجاز به غسل تعمید دادن است. و تنها یک گروه از ایمانداران که انجیل را تأیید و اعلام می‌کنند، حق دارند خود را کلیسا بنامند.

گاهی اوقات گروه‌هایی از مسیحیان معترف به مسیحیت، خود را «کلیسا» می‌نامند، اما چنان از حقیقت انجیل منحرف شده‌اند که عملاً آن را انکار می‌کنند. برای مثال، اگر کلیسا تعلیم دهد که مرگ عیسی تنها نمایشی از عشق مشتاقانه خدا به انسان بوده و رستاخیز او نه رویداد جسمانی، بلکه تأثیری روحانی در قلب شاگردانش بوده است، آن کلیسا انجیل را با انجیل دروغین جایگزین کرده است. و همان‌طور که پولس می‌گوید، هر چیزی به غیر از انجیل حقیقی و رسولی، اصلاً

انجیل نیست (غلاطیان ۱: ۶-۷).

برخی کلیساها عملاً انجیل را با اعتقادات خود درباره غسل تعمید انکار می‌کنند. برای مثال، اگر کلیسای غسل تعمید را نجات‌بخش بدانند، به طوری که غسل تعمید را عامل بخشش و تولد تازه تلقی کند، در واقع آن کلیسا غسل تعمید را جایگزین انجیل کرده است. غسل تعمید و انجیل باید جدایی‌ناپذیر باشند؛ به هر کس که ایمان می‌آورد دستور داده شده که غسل تعمید بگیرد، و غسل تعمید نیز انجیل را تأیید و اعلام می‌کند. اما غسل تعمید نباید با انجیل یکی دانسته شود یا با آن اشتباه گرفته شود.

کلیسایی که عملاً انجیل را انکار می‌کند، اصلاً کلیسا نیست، و این به این معناست که آن‌ها هیچ مجوزی از عیسی برای غسل تعمید دادن افراد به نام او ندارند. بنابراین، «غسل تعمیدی» که توسط کلیسای منکر انجیل انجام شده، در واقع غسل تعمید نیست.

اگر این سناریو برای شما آشناست، چگونه می‌توانید تشخیص دهید که آیا کلیسایی که شما را غسل تعمید داده، واقعاً انجیل را انکار می‌کند یا نه؟ این موضوع پیچیده است. اگر ذره‌ای احساس می‌کنید که این وضعیت ممکن است برای شما صدق کند، به شما توصیه می‌کنم از رهبران کلیسایی که در حال حاضر به آن می‌روید، کمک بگیرید تا در این باره تحقیق کنید.

برای روشن شدن موضوع: هیچ کلیسایی آموزه‌های بی‌نقصی ندارد و هیچ واعظی معصوم نیست. من نمی‌گویم که غسل تعمید تنها زمانی معتبر است که کلیسا از نظر اعتقادی صددرصد درست باشد. و نمی‌گویم که اگر خود یک کشیش نسبت به انجیلی که موعظه می‌کند بی‌وفا از آب درآید، غسل تعمیدهایی که انجام داده باطل می‌شوند. در عوض، من می‌گویم که همان انجیلی که در وهله اول کلیسا را به وجود می‌آورد، به غسل تعمید و غسل تعمید گرفتن اعتبار می‌بخشد. من به فردی که غسل تعمید می‌دهد، کمتر از کلیسایی که به او مجوز این کار را می‌دهد، اهمیت می‌دهم. برای اینکه یک کلیسا بتواند غسل تعمید دهد، باید انجیل کتاب مقدسی را تأیید و اعلام کند.

چه زمانی «غسل تعمید»، غسل تعمید محسوب نمی‌شود؟

چنانچه غسل تعمید هیچ ارتباطی با کلیسا ندارد

آخرین وضعیتی که بررسی می‌کنیم، دشوارترین مورد برای تعیین تکلیف است: غسل تعمیدی که هیچ ارتباطی با کلیسا ندارد. اجازه دهید از دو سوی طیف به این موضوع نزدیک شویم. در یک انتها، غسل تعمیدی داریم که توسط کشیش در گردهمایی کلیسای بشارت‌دهنده انجیل انجام می‌شود. در این مورد مشکلی وجود ندارد. در انتهای دیگر، سناریوی غوطه دادن در آب را از فصل اول به‌روزرسانی می‌کنیم. شما در استخر حیاط پستی دوست، در یک مهمانی دوستانه تاپستانی هستید. هر دوی شما ایماندار هستید—در واقع، دوستان چند هفته قبل شما را به مسیح رهنمون شده است.

دوستان می‌گویند، «هی، تو هنوز غسل تعمید نیافته‌ای، مگر نه؟»

«خیر. فکر می‌کنم باید غسل تعمید بیابم.»

«چرا همین حالا انجامش ندهی؟ من می‌توانم تو را غسل تعمید دهم.»

«اوه، باشه.»

اگر در آن لحظه دوستان شما را زیر آب فرو برد و این کلمات را بگوید: «تو را به نام پدر، و پسر، و روح‌القدس غسل تعمید می‌دهم»، آیا شما غسل تعمید یافته‌اید؟ برخلاف صحنه غوطه‌وری در آب در فصل ۱، شما با اراده خود عمل می‌کنید. شما واقعاً اخیراً به مسیح ایمان آورده‌اید. و دوستان می‌دانند که شما به مسیح اعتماد کرده‌اید، زیرا او کسی است که انجیل را به شما موعظه کرده است. اما آیا این عوامل، در مجموع، به معنای غسل تعمید هستند؟

به نظر من در اغلب شرایط، پاسخ خیر است. به یاد داشته باشید که در غسل تعمید، فرد خود را به مسیح و قوم او متعهد می‌سازد، و کلیسا نیز اظهار ایمان یک ایماندار را تأیید می‌کند. اما در این مورد، دوست شما به هیچ وجه از طرف کلیسا عمل نمی‌کند. وقتی دوست شما، شما را زیر آب می‌برد، کلیسا به هیچ وجه از طرف عیسی با شما سخن نمی‌گوید. این همان مشکل اساسی در اینجا است، قطعه گمشده‌ای که مانع از این می‌شود تا این سناریو به عنوان غسل تعمید واجد

شرایط شناخته شود.

با این حال، من از عبارت «اغلب شرایط» استفاده کردم. اگر در مکانی هستید که به دلیل عدم حضور مسیحیان، کلیسای وجود ندارد، من استدلال می‌کنم که هر کسی که حامل انجیل است، اختیار غسل تعمید دادن را نیز دارد. اگر هنوز کلیسای محلی وجود ندارد، پس هر مسیحی، به عبارتی، بذر کلیسا را با خود حمل می‌کند— این بذر همان انجیل است که از طریق موعظه کاشته می‌شود. در فصل بعدی بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت. در حال حاضر، منظور من این است که در جایی که هنوز کلیسای وجود ندارد، هر کس که انجیل را موعظه می‌کند، می‌تواند و باید کسانی را که به انجیل پاسخ می‌دهند، غسل تعمید دهد.

اما در داستان غوطه‌وری در استخر، چنین نیست. کلیساهای زیادی در آن اطراف وجود دارد. دوست شما نیز اتفاقاً عضو یکی از آنهاست. بنابراین، به جای اینکه مسئولیت شاگردی شما را شخصاً بر عهده بگیرد، باید شما را به مراقبت کلیسا بسپارد. هنگامی که شما به مسیح ایمان می‌آورید، او باید بگوید: «عالیه، حالا اجازه بده تو را به قوم مسیح معرفی کنم. کلیساهای مؤمن دیگری هم در شهر ما هستند، اما این جمعی است که من به آن تعلق دارم. بیا با کشیش‌های کلیسا صحبت کنیم تا ببینیم برای غسل تعمید و پیوستن به کلیسا چه کاری باید انجام دهی.»

باز هم تکرار می‌کنم، در منطقه‌ای که کلیسای محلی وجود دارد، غسل تعمیدی که هیچ ارتباطی با کلیسا ندارد، غسل تعمید نیست. به یاد داشته باشید، غسل تعمید بیانیه‌ای از سوی دو طرف است، نه یک نفر— غسل تعمید دهنده و غسل تعمید شونده. و از آنجایی که در اینجا کلیسای وجود دارد، اما کلیسا به هیچ وجه از طرف عیسی سخنی نگفته، چنین غوطه‌وری به سادگی واجد شرایط غسل تعمید نیست. تنها کلیسا مجاز است که از شهروندان پادشاهی سوگند بگیرد. تنها کلیسا مجاز به اجرای نشانه سوگند آغازین عهد جدید است. تنها کلیسا اختیار دارد بگوید، «همه نگاه کنید، این فرد به عیسی تعلق دارد.»

ارتباط یک غسل تعمید با کلیسای محلی به چه معناست؟ در فصل بعدی بیشتر به این موضوع

چه زمانی «غسل تعمید»، غسل تعمید محسوب نمی‌شود؟

می‌پردازیم، اما به طور خلاصه، به نظر من در اینجا انعطاف‌پذیری زیادی وجود دارد. فکر نمی‌کنم کتاب مقدس اجباری کرده باشد که غسل تعمید حتماً توسط کشیش انجام شود، گرچه به نظر معمولاً این کار عاقلانه است. فکر نمی‌کنم کتاب مقدس اجباری کرده باشد که غسل تعمید در گردهمایی‌های تمام کلیسا انجام شود. گرچه باز هم، فکر می‌کنم این کار عاقلانه است و به بهترین شکل با نقش غسل تعمید که تعهد به جمع و تأیید از سوی جمع است، هماهنگی دارد. پس اگر غسل تعمید مجبور نیست توسط کشیش و در گردهمایی کلیسا انجام شود، انعطاف زیادی در مورد اینکه چگونه غسل تعمید می‌تواند به صورت قانونی اجرا شود، باقی می‌ماند.

با این حال، من بر این باورم که در جایی که کلیسا وجود دارد، خط‌کشی‌ای میان غسل تعمیدی که به نحوی با کلیسا مرتبط است و بنابراین معتبر است، و غسل تعمیدی که به هیچ وجه با کلیسا مرتبط نیست و بنابراین نامعتبر است، وجود دارد. برخی موارد کاملاً واضح هستند. اما همه موارد این‌گونه نیستند. به عنوان مثال، یکی از دوستان نزدیک من توسط دوستش در استخر غسل تعمید یافت. آن‌ها در یک اردوی مسیحی با هم بودند و افراد زیادی در حال غسل تعمید بودند. آیا این غسل تعمید معتبر است؟ من مطمئن نیستم. اگر درست به خاطر داشته باشم، آن اردو نوعی نظارت از سوی کلیسای محلی داشت، اما نمی‌دانم کلیسا چقدر در آن غسل تعمیدهای اردو دخیل بود یا نبود. این مورد دقیقاً روی خط مرزی به نظر می‌رسد. از آنجایی که زمینه آن عمومی بود، نه خصوصی، و چون ارتباطی هرچند دور با کلیسا وجود داشت، من تمایل دارم آن را معتبر فرض کنم. اما این موضوع به هیچ وجه واضح نیست و می‌توانم به راحتی ببینم که چگونه کلیسا به نتیجه مخالف برسد.

در نهایت، این‌ها همان نوع قضاوت‌هایی هستند که کلیساهای محلی هنگام ارزیابی نامزدهای غسل تعمید باید انجام دهند. از یک سو، نمی‌خواهیم استانداردهای سخت‌گیرانه‌تر از کلام خدا تعیین کنیم. از سوی دیگر، نمی‌خواهیم اجازه دهیم که غسل تعمید خصوصی شود و از کلیسا جدا گردد و بدین ترتیب، این فریضه از نقش خود در شاگردسازی، مرزبندی و شکل‌دهی به کلیسا

محروم شود. این امر مستلزم حکمت و بصیرت کتاب مقدسی است. از سوی دیگر، این امر نیازمند بصیرت در میان تک‌تک مسیحیان است. اگر اخیراً به مسیح ایمان آورده‌اید، یا اخیراً کسی را به مسیح رهنمون شده‌اید، اطمینان حاصل کنید که اولین گام شما در شاگردسازی، کلیسا باشد. کلیسا همان جمعی است که عیسی آن را منصوب کرده تا از طرف او عمل و سخن بگوید و پادشاهی آسمانی‌اش را بر روی زمین نمایندگی کند. و کلیسا مکانی است که همه شاگردان در آن با هم رشد می‌کنند تا به کمال مسیح برسند (افسیان ۴: ۱۱-۱۶). مسیحی تازه ایمان یافته، در اولین روز کاری‌اش به کجا می‌رود؟ به کلیسای محلی.

بعدی و نهایی

این فصل بر آنچه غسل تعمید نیست، تمرکز داشت تا تصویری شفاف‌تر از آنچه هست ارائه دهد. اگر تجربه شما با هر یک از سناریوهایی که در این فصل بررسی کردیم مطابقت دارد، امیدوارم با درک روشن‌تری به این نتیجه رسیده باشید که یا قبلاً فرمان عیسی برای غسل تعمید را انجام داده‌اید، یا هنوز آن را انجام نداده‌اید و باید انجام دهید. و اگر رهبر کلیسا هستید، امیدوارم دسته‌بندی‌های واضح‌تری برای اینکه کلیسای شما چه چیزی را به عنوان غسل تعمید می‌پذیرد و چه چیزی را نمی‌پذیرد، پیدا کرده باشید.

اما البته، کلیساها فقط غسل تعمیدها را به رسمیت نمی‌شناسند، بلکه افراد را نیز غسل تعمید می‌دهند. بنابراین، در فصل بعدی و پایانی، به این پرسش می‌پردازیم: «کلیساها چگونه باید غسل تعمید را اجرا کنند؟»

کلیساها چگونه باید غسل تعمید را اجرا کنند؟

برای اکثر مسیحیان، اصلی‌ترین اقدامی که در رابطه با غسل تعمید باید انجام دهند، غسل تعمید یافتن است. قطعاً باید در غسل تعمید خود تأمل کنیم تا به یاد آوریم که با مسیح متحد شده‌ایم و اکنون هم از قدرت برخورداریم و هم مأموریم که زندگی تازه‌ای را آغاز کنیم (رومیان ۶: ۱-۴). و هرگاه فرصتی فراهم شد، باید سایر مسیحیانی را که هنوز غسل تعمید نیافته‌اند، تشویق و ترغیب به این کار نماییم. اما در خصوص اطاعت شخصی شما از عیسی، پس از غسل تعمید یافتن، کار به پایان رسیده است.

برای رهبران کلیسا، داستان متفاوت است. اغلب کلیساهای مروج انجیل به طور منظم این فرصت را دارند که ایمانداران جدید را غسل تعمید دهند، و معمولاً این رهبران کلیسا هستند که غسل تعمید را انجام می‌دهند. اما عمل غسل تعمید، مجموعه‌ای از سؤالات را مطرح می‌کند: چه مقدار آب باید استفاده شود؟ آیا ریختن یا پاشیدن آب به اندازه غوطه‌وری کفایت می‌کند؟ چه کسی باید غسل تعمید دهد؟ غسل تعمید چه ارتباطی با عضویت در کلیسا دارد؟ کلیساها چه زمانی و در کجا باید غسل تعمید دهند؟ یک فرد چه مدت پس از ایمان آوردن به مسیح باید غسل تعمید یابد؟ این فصل به تمامی این پرسش‌ها، به همان ترتیبی که ذکر شد، می‌پردازد. به طور خلاصه، ما به شکل، اجراکننده، نتیجه، زمینه و زمان‌بندی غسل تعمید خواهیم پرداخت.

امیدوارم حتی کسانی که رهبر کلیسا نیستند نیز اهمیت این سؤالات را درک کنند. اگر هنوز غسل

تعمید نگرفته‌اید، این فصل می‌تواند به شما کمک کند تا بفهمید چگونه و کجا به دنبال غسل تعمید باشید. اگر غسل تعمید گرفته‌اید، این فصل می‌تواند به شما کمک کند تا به دیگران یاری رسانید که به شیوه‌ای مطابق با کتاب مقدس غسل تعمید بگیرند.

و در پایان، کلامی برای کسانی که در حال حاضر مبشر هستند یا در آینده خواهند بود و در محیطی که هنوز کلیسایی در آن وجود ندارد، به موعظه انجیل می‌پردازند. از آنجا که توصیه‌های بنده در این فصل بر فرض وجود کلیسا استوار است، در مورد اولین غسل تعمیدهایی که در مکان تازه در معرض انجیل قرار گرفته، کاربرد ندارد. اما اگر شما در حال اطاعت از مأموریت بزرگ هستید و به شاگردان عیسی می‌آموزید که از تمام فرامین او پیروی کنند، آنگاه به تمامی نومیسیحیان خود، از همان ابتدا، تعلیم خواهید داد که پیروی از عیسی به معنای تشکیل کلیساست. عیسی می‌فرماید: «زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان ایشان حاضرم.» (متی ۱۸: ۲۰). این بدان معناست که به محض اینکه بیش از یک ایماندار جدید به عیسی داشته باشید، زمینه تشکیل کلیسا را دارید و باید آن ایمانداران را به تشکیل کلیسا رهنمون شوید. تقریباً بلافاصله پس از ایمان آوردن این ایمانداران جدید به مسیح، باید به عنوان یک کلیسا، در نظارت بر غسل تعمید ایمانداران جدید مشارکت داشته باشند. بنابراین، این فصل به همان اندازه که برای رهبران کلیساهای تثبیت‌شده مرتبط است، برای مبشران نیز مرتبط است.

شیوه اجرا

کلیساها برای غسل تعمید افراد به چه مقدار آب نیاز دارند؟ آیا باید فضاهایی به اندازه کافی برای غوطه‌ور ساختن افراد بسازند یا اجاره کنند، یا یک ظرف غسل تعمید یا پارچ آب کفایت می‌کند؟

در فصل ۱ دیدیم که واژه یونانی برای «غسل تعمید دادن» به معنای فرو بردن یا غوطه‌ور ساختن در زیر آب است. یحیی مردم را در عینون غسل تعمید می‌داد زیرا در آنجا آب فراوان بود (یوحنا ۳: ۲۳)، و خواجه حبشی نیز هنگامی که حوض کنار جاده را مشاهده کرد، خواستار غسل تعمید

کلیساها چگونه باید غسل تعمید را اجرا کنند؟

شد (اعمال ۸: ۳۶). و برای غسل تعمید، خواجه حبشی و فیلیپ «هر دو به آب در آمدند» و سپس «از آب بیرون آمدند» (اعمال ۸: ۳۸-۳۹). از لحاظ نظری این احتمال وجود دارد که آن‌ها به درون آب رفته باشند و سپس فیلیپ با دست‌هایش آب را بر روی همراهش ریخته باشد، اما این بسیار بعید است. این فرضیه توضیح نمی‌دهد که چرا خواجه دقیقاً زمانی که منبع آب بزرگ را دید، تقاضای غسل تعمید کرد. و چرا هر دو مرد باید زحمت در آوردن لباس‌ها یا خیس شدن آن‌ها را به خود می‌دادند اگر غوطه‌وری کامل غیر ضروری بود؟

علاوه بر این، غوطه‌وری به بهترین شکل نماد دفن شدن و برخاستن با مسیح را به تصویر می‌کشد. در هر دو کتاب رومیان ۶: ۱-۴ و کولسیان ۲: ۱۱-۱۲، پولس این را مسلم فرض می‌کند که غسل تعمید نمادی از این اتحاد با مرگ، دفن و رستاخیز مسیح است. منطقی‌ترین استنباط این است که خوانندگانش زمانی را به خاطر می‌آوردند که نه با آب پاشیده یا شسته شده بودند، بلکه در زیر آن فرو برده و از آن بیرون کشیده شده بودند.

بنابراین، من استدلال می‌کنم که کتاب مقدس، غوطه‌وری را به عنوان شیوهٔ هنجار غسل تعمید ارائه می‌دهد. این تنها چیزی نیست که مسیحیان اولیه انجام می‌دادند و ما می‌توانیم آزادانه آن را رها کنیم. در عوض، شیوهٔ غسل تعمید با نمادگرایی و اهمیت این آیین در هم تنیده است؛ بنابراین کلیساها باید هر اقدام لازم را انجام دهند تا بتوانند ایمانداران را با غوطه‌وری غسل تعمید دهند.

اجرا کننده

در ادامه، چه کسی باید غسل تعمید را انجام دهد؟ اگر غسل تعمید عملی از سوی کلیساست، پس اجراکنندهٔ آن باید توسط کلیسا مجاز شناخته شود. کسی که غسل تعمید را انجام می‌دهد، باید از جانب کلیسا عمل کند، نه بر اساس ابتکار یا اختیار شخصی خود.

کلیسا به عنوان کل، کلیدهای ملکوت را به کار می‌گیرد (متی ۱۶: ۱۹؛ ۱۸: ۱۹)، اما تنها یک نفر غسل تعمید را انجام می‌دهد. با این حال، غسل تعمید خود به کارگیری کلیدهای ملکوت است.

این تأیید رسمی کلیسا بر ادعای فردی مبنی بر پیروی از مسیح است. در غسل تعمید، کلیسا به

نیابت از عیسی سخن می‌گوید، بنابراین غسل تعمیددهنده باید به نیابت از کلیسا سخن بگوید.

کشیشان، که در کلام خدا «شیوخ» یا «ناظران» نیز نامیده می‌شوند (مثلاً، اول تیموتاؤس ۳: ۱؛ ۵: ۱۷)، توسط کلیسا منصوب می‌شوند تا کلیسا را تعلیم و رهبری کنند. آن‌ها توسط کلیسا برای نظارت بر آن به رسمیت شناخته می‌شوند. آن‌ها کلام را تعلیم می‌دهند، کلیسا را به اطاعت از کلام ترغیب می‌کنند، وفاداری به کلام را الگو می‌سازند و حیات کلیسا را مطابق با کلام هدایت می‌نمایند. بنابراین، من پیشنهاد می‌کنم که گرچه کلام خدا انجام غسل تعمید توسط شخص کشیش را الزامی نمی‌داند، اما به طور معمول باید این‌گونه باشد. کشیشان یا شیوخ کسانی هستند که پیشاپیش در تعلیم کلام از جانب کلیسا عمل می‌کنند، و غسل تعمید در واقع مراسم عمومی در پاسخ به کلام است که به صورت بصری کلام را اعلام می‌دارد. به نظر من این به معنای آن نیست که تنها «کشیش ارشد» باید غسل تعمید دهد؛ بلکه معتقدم هر کشیش یا شیخی مجاز به انجام این کار است.

همان‌طور که گفتم، فکر نمی‌کنم که غسل تعمید حتماً باید توسط شخص کشیش انجام شود. با این حال، اگر کلیسا تمایل دارد به دیگران اجازه غسل تعمید دادن بدهد، به نظر من باید به دقت در نظر بگیرد که چه کسی، چرا و چگونه این کار را انجام دهد. برای مثال، اگر کلیسا به طور منظم به پدران اجازه می‌دهد فرزندان خود را غسل تعمید دهند، ممکن است به صورت غیرمستقیم این پیام گمراه‌کننده را بفرستد که غسل تعمید یک آیین خانوادگی است، نه یک آیین کلیسایی.

اما مهم‌ترین نکته در اینجا این است که غسل تعمید عملی از سوی کلیسا است، نه یک مسیحی به تنهایی. این بدان معناست که اجراکننده آن باید توسط کلیسا مجاز باشد. مسیحیان به تنهایی صرفاً به خاطر مسیحی بودن، اجازه غسل تعمید دادن ندارند.

همان‌طور که در فصل قبلی گفتم، در جایی که هنوز کلیسایی وجود ندارد، وضعیت فرق می‌کند. اگر شما تنها مسیحی در یک شهر هستید، شما خودتان کلیسای آن شهر هستید. پس در واقع، شما

کلیساها چگونه باید غسل تعمید را اجرا کنند؟

بر اساس ابتکار خودتان و به دور از مجوز کلیسا عمل نمی‌کنید. در عوض، شما بذّر کلیسا—یعنی انجیل—را حمل می‌کنید و امیدوارم آن را بکارید. در جایی که بذّر انجیل در ایمان و توبه ثمر می‌دهد، شما باید آن پاسخ را با غسل تعمید تأیید کنید. و به محض اینکه دو یا سه نفر را دارید که می‌توانند به نام عیسی گرد هم آیند، باید به کلیسای جدید آموزش دهید که غسل تعمید عملی است که مسئولیت اجرای نهایی و نظارت بر آن با آن‌هاست. و شما باید غسل تعمیدهای بعدی را تحت نظارت و به نیابت از آن‌ها انجام دهید.

نتیجه

غسل تعمید عمل کلیسا برای تأیید و به تصویر کشیدن اتحاد فرد ایماندار با مسیح از طریق غوطه‌ور کردن او در آب است، و عمل ایماندار برای متعهد شدن عمومی به مسیح و قوم او، و بدین ترتیب، پیوستن به کلیسا و متمایز شدن از دنیاست. در غسل تعمید، شخص ایماندار به قوم خدا متعهد می‌شود و قوم خدا به آن ایماندار. بنابراین، در جایی که کلیسایی وجود دارد، غسل تعمید باید به عضویت کلیسا منجر شود. کلیسایی که غسل تعمید را انجام می‌دهد، باید با همین عمل، این ایماندار جدید را به جمع خود بپذیرد. غسل تعمید صرفاً پیش‌نیاز برای عضویت در کلیسا نیست؛ معمولاً، غسل تعمید آغاز عضویت در کلیساست. عضویت در کلیسا خانه است، و غسل تعمید در ورودی آن.

تنها استثنای موجهی که می‌توانم ببینم، زمانی است که ایماندار جدید بلافاصله به منطقه‌ای می‌رود که تا جایی که کسی می‌داند، کلیسایی در آن وجود ندارد. برای مثال، شخص مسیحی تازه ایمان یافته که در نیروی دریایی خدمت می‌کند، ممکن است عازم شود تا یک سال را در یک کشتی زندگی کند. یا کسی که برای یک شرکت بین‌المللی کار می‌کند، ممکن است به خاورمیانه نقل مکان کند و هیچ ایده‌ای نداشته باشد که آیا در شهر آینده‌اش کلیسایی وجود دارد یا نه. چنین شرایطی ایده‌آل نیستند، اما گاهی اوقات اجتناب‌ناپذیرند. این ایمانداران جدید خود را در موقعیتی شبیه به خواجه حبشی می‌یابند. بنابراین، در این شرایط واقعاً استثنایی، کلیسای محلی باید آن‌ها را

غسل تعمید دهد، برای آن‌ها دعا کند، بدرقه‌شان کند و آن‌ها را تشویق کند که در طول اقامت خود در خارج از کشور، هرگونه مصاحبت مسیحی را که می‌توانند، بیایند. و ما قبلاً به وضعیت مبشر در مناطق دوردست پرداختیم. اولین نوایمان در یک منطقه، وارد کلیسای محلی نمی‌شود، اما به محض اینکه یک یا دو نفر دیگر غسل تعمید بگیرند، باید با هم کلیسای را تشکیل دهند.

در هر مورد دیگری، غسل تعمید و عضویت در کلیسا باید جدایی‌ناپذیر باشند. هیچ کس نباید غسل تعمید یابد مگر اینکه قصد داشته باشد با تسلیم شدن به کلیسای عیسی، تحت اقتدار او قرار گیرد. تأییدی که از طریق گذرنامه صادر می‌شود، با مسئولیت و پاسخگویی شهروندی همراه است. برای ایماندار جدید، غسل تعمید باید وسیله و لحظه‌ای باشد که او به کلیسای شما ملحق می‌شود. اگر شما فرایند عضویتی دارید که شامل کلاس‌ها، مصاحبه و رأی‌گیری جمعی است، فرد باید این مراحل را قبل از غسل تعمید طی کند. و کلیسا باید متوجه باشد که عضویت در لحظه غسل تعمید اعطا می‌گردد.

علاوه بر این، کلیساها نباید دوره انتظار بین غسل تعمید و عضویت قرار دهند. برخی ممکن است این کار را به دلیل تمایل به تأکید بر غسل تعمید انجام دهند. آن‌ها غسل تعمید را از عضویت جدا می‌کنند تا توجه بیشتری به غسل تعمید جلب نمایند. اما روش کتاب مقدسی برای جلب توجه به غسل تعمید، این است که آن را دروازه ورود به کلیسا و در نتیجه ورود به زندگی مسیحی قرار دهیم. از سوی دیگر، برخی ممکن است بین غسل تعمید و عضویت فاصله زمانی ایجاد کنند زیرا عضویت مسئولیت‌های سنگینی به همراه دارد، و شاید فرد ایماندار جدید کاملاً برای آن مسئولیت‌ها آماده نباشد. مشکل اینجاست که هر مسیحی هم موظف است و هم توسط خدا توانمند شده است تا جایگاه خود را در بدنه کلیسا به دست آورد. بنابراین، اگر مایل به تأیید کسی به عنوان شخص مسیحی هستید، دلیلی برای دور نگه داشتن او از بدنه وجود ندارد. آنجا تنها جایی است که او، با تمام مسئولیت‌هایش، رشد و تعالی خواهد یافت. و اگر در مورد تمایل یا توانایی یک فرد برای ورود به زندگی فعال در کلیسا تردید دارید، شاید این تردید شما را به بازبینی در آمادگی‌تان

کلیساها چگونه باید غسل تعمید را اجرا کنند؟

برای تأیید اقرار ایمان او از طریق غسل تعمید سوق دهد.

در شرایط عادی، غسل تعمید و عضویت در کلیسا باید جدایی ناپذیر باشند. از نظر الهیاتی، غسل تعمید عضویت در کلیسا را اعطا می‌کند. بنابراین، نباید افراد را بدون وارد کردن آن‌ها به کلیسا غسل تعمید دهید، و باید به تمام کسانی که غسل تعمید می‌دهید، عضویت اعطا کنید. عضویت یک ایماندار جدید باید منوط به غسل تعمید باشد، و در لحظه غسل تعمید رسمیت یابد.

زمینه

کلیساها باید افراد را در کجا غسل تعمید دهند؟ آیا لازم است که در ساختمان کلیسا، یا حداقل مراسم کلیسایی باشد؟ لزوماً خیر. به نظر می‌رسد کلام خدا اجازه غسل تعمید را در داخل و خارج از «مراسم‌های کلیسایی» عادی می‌دهد— و تنها نمونه‌های عهد جدید از نوع اخیر هستند. اما آیا می‌توانیم توضیح بیشتری ارائه دهیم؟

غسل تعمید اصل بر اقرار علنی به ایمان است و کلیسا اولین و مهم‌ترین مخاطب عمومی است که این اقرار به او خطاب می‌شود. به علاوه، از آنجایی که غسل تعمید عمل کلیسا به طور کامل برای تأیید اقرار یک ایماندار و خوش‌آمدگویی به او در جمع خود است، من استدلال می‌کنم که کلیساها معمولاً باید افراد را در بافتار گردهمایی تمام کلیسا غسل تعمید دهند. اینکه آن گردهمایی در ساختمان کلیسا باشد یا در کنار رودخانه، اهمیت چندانی ندارد. نکته این است که شیوه اجرای غسل تعمید توسط کلیسا نباید این حقیقت را پوشیده نگاه دارد، بلکه باید آن را برجسته سازد که در غسل تعمید، تمام کلیسا به نیابت از خدا با فرد سخن می‌گوید، و فرد نیز هم با خدا و هم با تمام کلیسا سخن می‌گوید. غسل تعمید در گردهمایی تمام کلیسا این موضوع را به اطلاع عموم می‌رساند؛ غسل تعمید در گردهمایی کوچک‌تر، این جنبه را تضعیف می‌کند.

دوباره با در نظر گرفتن زمینه‌های مبلغی در مناطق دورافتاده، من معتقدم که حضور «جمعیت» فراتر از خود غسل تعمیددهنده برای این آیین کاملاً ضروری نیست، زیرا خود غسل تعمیددهنده شاهد عمومی برای اقرار به ایمان است. با این حال، غسل تعمیدهایی با «مخاطب یک نفره» تنها

تنها زمانی مناسب هستند که شاهدان دیگری در دسترس نباشند. معمولاً، غسل تعمید باید توسط تمام کلیسا جشن گرفته شود، چرا که عملی از سوی تمام کلیساست.

زمان بندی

در نهایت، کلیساها با چه سرعتی باید ایمانداران جدید را غسل تعمید دهند؟ آیا ایمانداران جدید باید فوراً غسل تعمید یابند یا باید یک دوره انتظار در نظر گرفته شود؟

قطعاً، تمامی نمونه‌های غسل تعمید که در عهد جدید داریم، بلافاصله پس از ایمان آوردن افراد رخ می‌دادند. (برای نمونه، به اعمال رسولان ۲: ۳۸-۴۱؛ ۱۰: ۴۷-۴۸؛ ۱۶: ۱۴-۱۵، ۳۰-۳۴؛ ۱۹: ۵-۱ مراجعه کنید). و از آنجایی که غسل تعمید محلی است که ایمان علنی می‌گردد، باید تا حد امکان به گرایش شخص به ایمان نزدیک باشد. بنابراین، از یک سو، من معتقد نیستم که کلیساها باید یک دوره انتظار قبل از غسل تعمید ایجاد کنند تا یا ثمره ایمان فرد را بسنجند یا اصول اولیه ایمان و عمل مسیحی را قبل از غسل تعمید به او بیاموزند.

اما اگر غسل تعمید باید عضویت در کلیسا را اعطا کند، آیا نباید از این واقعیت که فرایند عضویت کلیسا، غسل تعمید را چند هفته یا حتی چند ماه به تأخیر می‌اندازد، ناراحت باشیم؟ آیا این تأخیر در غسل تعمید، برخلاف الگوی کتاب مقدسی نیست؟ دقیقاً این‌طور نیست. فرایند عضویت در کلیسا به منزله دوره آزمایشی نیست. در عوض، این فرایند صرفاً تضمین می‌کند که نامزد غسل تعمید می‌داند به چه چیزی متعهد می‌شود و کلیسا نیز نامزد را می‌شناسد.

در روز پنطیکاست، کاملاً واضح بود که برای چه چیزی متعهد می‌شوید: مخالفت از سوی رهبران یهودی و زندگی کاملاً جدید در میان این گروه تحت آزار از پیروان مسیح. امروزه، شرایط همیشه تا این حد روشن نیست. مسیحیانی اقرارکننده وجود دارند که معتقدند مسیحی بودن هیچ ارتباطی با تسلیم شدن در برابر خداوندگاری عیسی و هیچ ارتباطی با کلیسای محلی ندارد. کلیسا

کلیساها چگونه باید غسل تعمید را اجرا کنند؟

باید اطمینان یابد که کسانی که غسل تعمید می‌دهد، می‌دانند که زندگی به عنوان یک مسیحی، کاملاً با تسلیم شدن در برابر خداوندگاری عیسی و کاملاً با کلیسا مرتبط است. آموزش و ارزیابی که در فرایند عضویت کلیسا گنجانده شده، به سادگی آنچه را که در غسل تعمید در معرض خطر است، روشن می‌سازد. و تضمین می‌کند که کسانی که در غسل تعمید وعده می‌دهند—هم کلیسا و هم ایماندار—می‌دانند که چه چیزی را و به چه کسی وعده می‌دهند. الزام نامزدهای غسل تعمید به طی کردن فرایند عضویت کلیسا کمک می‌کند تا اطمینان حاصل شود که غسل تعمید واقعاً خطی بین کلیسا و دنیا ترسیم می‌کند، واقعاً تعهد یک ایماندار به مسیح و قومش را محقق می‌سازد، و واقعاً قصد عیسی را برای متمایز ساختن قومش از طریق همذات‌پنداری آن‌ها با او به انجام می‌رساند.

بنابراین، برای روشن شدن مطلب، من معتقد نیستم که کلیساها در غرب مسیحی، و به ویژه در آنچه از «کمر بند انجیل» باقی مانده، باید مراسم‌هایی را برگزار کنند که در آن هر کسی بتواند به جلو بیاید و در همان لحظه، بدون تعهد به عضویت کلیسا، غسل تعمید یابد. چنین اقرارهای ایمانی بیشتر ناشناس هستند تا علنی، چرا که به فرد غسل تعمید یافته اجازه می‌دهند که به سادگی مسیر خود را در پیش گیرد و دوباره در میان جمعیت محو شود.

اگر شما در یک کشور مسلمان زندگی می‌کنید که در آن غسل تعمید یافتن به معنای طرد شدن از سوی خانواده‌تان است، وضعیت بسیار واضح‌تر است. اما به ویژه برای ما در آمریکا، عاقلانه‌ترین راه این است که از قبل اطمینان حاصل کنیم که یک ایماندار می‌داند برای چه چیزی متعهد می‌شود. و کلیساها باید اطمینان یابند که آنچه غسل تعمیدشوندگان برای آن متعهد می‌شوند، عضویت در کلیسا و یک زندگی است که تحت خداوندگاری مسیح به سر برده می‌شود.

اهمیت بنیادین

در این کتاب کوچک، ما با یک چشم‌انداز کتاب مقدسی از غسل تعمید آغاز کرده و به ابعاد عملی آن رسیدیم. در طول این مسیر، ما ابعاد «چه کسی»، «چه چیزی»، «چه زمانی»، «کجا»، و به

ویژه «چرا»ی غسل تعمید را بررسی کردیم. اگر شما ایماندار به عیسی هستید و سؤال‌اتنان درباره غسل تعمید شما را در انجام آن مردد ساخته، امیدوارم این کتاب سؤالات شما را رفع کرده و مسیر را برای اطاعت از عیسی از طریق تعهد علنی به او و قوش در غسل تعمید هموار کرده باشد. اگر رهبر کلیسا هستید، امیدوارم در اینجا کمکی برای درک غسل تعمید، آموزش در مورد آن، و رهبری کلیسای خود در اجرای غسل تعمید یافته باشید.

اهمیت بنیادین غسل تعمید چیست؟ غسل تعمید، قوم خدا را با یک علامت از انجیل مَهر می‌زند. غسل تعمید، تعهد علنی ایماندار به مسیح را طلب می‌کند، و او را در مسیر مادام‌العمر از شهادت آشکار به فیض خدا در انجیل قرار می‌دهد. غسل تعمید، تعهد ایماندار به قوم مسیح را تثبیت می‌کند، و او را در مصاحبت با بدن مسیح قرار می‌دهد. این فریضه کلامی از تأیید و پذیرش از سوی کلیسا به ایماندار، به نیابت از مسیح، بیان می‌کند. همه این‌ها دلایلی است که چرا عیسی به شاگردانش فرمان می‌دهد که غسل تعمید دهند و غسل تعمید یابند.

غسل تعمید انجیل را تصویرسازی و ترویج می‌کند. و غسل تعمید، قوم انجیل — کسانی که از گناه توبه کرده و به مسیح اعتماد کرده‌اند — را مشخص ساخته و مرزی در اطراف آن‌ها ترسیم می‌کند. غسل تعمید به دلیل انجیلی که به وضوح نشان می‌دهد، اهمیت دارد.

یادداشت‌ها

۱. این بخش به شدت از کتاب «اعضای کلیسای خود را اخراج نکنید: استدلالی برای جماعت‌گرایی» (نشویل: بی‌انداج، ۲۰۱۶)، نوشته جانانان لیمن، فصل‌های ۳ و ۴، بهره برده است.
۲. به وبسایت <http://www.9marks.org/church-search> مراجعه کنید.
۳. برای دفاع نمونه از این دیدگاه، به سینکلر بی. فرگوسن، مقاله «دیدگاه غسل تعمید نوزادان» در کتاب «غسل تعمید: سه دیدگاه»، به ویراستاری دیوید اف. رایت (داونرز گرو، ایلینوی: اینتروارسیتی، ۲۰۰۹)، صفحات ۷۷ تا ۱۱۱، مراجعه کنید.
۴. بی. بی. وارفیلد، «مطالعات در الهیات» (نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۳۲)، صفحه ۴۰۸.
۵. در نقاط مختلفی از این بخش، از «دیدگاه غسل تعمید ایمانداران» از بروس ای. ویر در کتاب «غسل تعمید: سه دیدگاه»، صفحات ۱۹ تا ۵۰، استفاده کرده‌ام.
۶. فرانک تیل من، «افسسیان»، BECNT (گرنند ریپدز: بیکر، ۲۰۱۰)، صفحه ۳۹۷.
۷. برای نسخه کامل استدلال این فصل، به کتاب من با عنوان «علنی کردن: چرا غسل تعمید برای عضویت کلیسا الزامی است» (نشویل، تنسی: بی‌انداج، ۲۰۱۵) مراجعه کنید. این فصل اقتباسی است از فصل ۸ و بخش‌هایی از فصل ۹ کتاب علنی کردن، گرچه از کل کتاب بهره برده است.
۸. جان ال. دگ، «کتابچه نظام کلیسای» (هریسونبرگ، ویرجینیا: گانو بوکس، ۱۹۹۰)، صفحه ۹۵.
۹. به مقاله من با عنوان «شما پرسیدید: آیا باید دوباره «غسل تعمید» بگیرم؟ (پاسخ باورمندان به غسل تعمید)» در <http://thegospelcoalition.org/blogs/tgc/2013/02/06/you-asked-should-i-> get-re-baptized-credobaptist-answer مراجعه کنید.

اهمیت بزرگ غسل تعمید در چیست؟

عیسی به شاگردانش فرمان می‌دهد که غسل تعمید یابند، و این تصویری باشکوه از اتحاد فرد با مرگ، دفن و رستاخیز عیسی است. با این وجود، بسیاری از مسیحیان در مورد این موضوع احساس ابهام می‌کنند و بیشتر سؤال در ذهن دارند تا پاسخ. این اثر کوتاه، توضیحی کتاب مقدسی درباره غسل تعمید ارائه می‌دهد. ماهیت آن چیست؟ چه کسی باید غسل تعمید یابد؟ چرا برای عضویت کلیسا الزامی است؟ و کلیساها چگونه باید غسل تعمید را به انجام رسانند؟

بای جیمیسون، کشیش همکار در کلیسای باپتیست کپیتال هیل در واشینگتن، دی.سی. می‌باشد. جدیدترین اثر تألیفی او با عنوان «مرگ عیسی و قربانی آسمانی او در کتاب عبرانیان» به تازگی منتشر شده است.

جاناتان، ویراستار مجموعه کتاب‌ها و مجله 9Marks است. او همچنین نویسنده چندین اثر در حوزه کلیسا می‌باشد. از زمان دریافت فراخوان به خدمت، جاناتان موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد الهیات از دانشگاه باپتیست جنوبی و مدرک دکترای کلیساشناسی از دانشگاه Wales شده است. او به همراه همسر و چهار دخترش در شِورلی، مرلند سکونت دارد و به عنوان شبان در کلیسای باپتیست شِورلی مشغول به خدمت است.